

# فریاد و سکوت

گفتمانی در مراحل بازداشت بهائیان

ویرایش ۲،۵

فهرست

پیشگفتار

پیشینه تحقیق

احکام صادره از دادگاههای انقلاب ایران:

- حکم خانم ها پگاه سنایی و فیروزه یگان
- نظر دادستان شیراز در مورد پرونده جوانان بهایی این شهر
- حکم آقای هوشنگ فنائیان

پرسشنامه :

- ابلاغ احضاریه و حکم بازداشت، تفتیش منزل
- مراجعه به ستاد خبری، بازجویی اولیه
- تفهیم اتهام
- بازجویی و بازداشت
- اقدامات خانواده متهم در ایام بازداشت وی

بررسی و تاملی بر روی تست ها :

- ابلاغ احضاریه و حکم بازداشت، تفتیش منزل
- مراجعه به ستاد خبری، بازجویی اولیه
- تفهیم اتهام
- بازجویی و بازداشت
- اقدامات خانواده متهم در ایام بازداشت وی

خلاصه سوال و جوابهای بازجویی

تمرین های عملی

سخن پایانی

ضمائم

## پیشگفتار:

هیچگاه فکر نمی کردم، چهارسال از وقت و انرژی خود را با تمام وجود و عشقم صرف بررسی نحوه بازجویی ها، بازداشت و تفتیش منازل بهاییان کنم. در ابتدا، نه فکر می کردم که روزی برایم نحوه پاسخگویی مراجع قضایی به دادخواهی بهاییان اینقدر حائز اهمیت گردد و نه اینکه با ذوق و شوق نتیجه این تحقیقات به شکل یک "گفتمان" ارائه داده شود.

مجموعه "گفتمانی در مراحل بازداشت بهاییان" به عنوان فعالیتی مدنی، با لحن و درون مایه ای حقوقی در جهت افزایش آگاهی شهروندان بهایی از حقوق خویش و درک بهتر شرایط بازجویی با توجه به بررسی پرونده بالغ بر پنجاه بهایی که به اتهام هایی واهی از قبیل "تبلیغ علیه نظام"، "عضویت در گروه های برانداز"، "اقدام علیه امنیت ملی" و... بازداشت شده اند، تهیه شده است.

در این مجموعه سعی شده تا از پتانسیل های موجود در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در جهت دفاع بهاییان از خود در محاکم قضایی و جلسات بازجویی استفاده شود. با توجه به اینکه در بسیاری از شهرها وکلای حقوق بشر در صورت پذیرش پرونده بهاییان تهدید می شوند که پروانه وکالتشان باطل می شود، تعداد انگشت شماری از وکلا پرونده های مربوط به بهاییان را می پذیرند. بنابراین چاره ای جز این نیست که هریک از بهاییان بتوانند وکیل خود باشند و به حقوق متهمین و شهروندی آگاهی و تسلط داشته باشند.

جلسات بازجویی شاهد رویارویی متهمی بهایی - که عموماً در تمام طول عمر حتی یکبار پایش به مراجع قضایی و اطلاعاتی باز نشده است - با بازجویی است که سالهای سال شگردهای گوناگون بازجویی را در دوره ها و واحدهای درسی به عنوان یک علم آموخته و به محک تجربه این شگردها را پرورده است. این تقابل نابرابر اگر همراه با حداقل آگاهی از حقوق متهمین و شهروندی از جانب متهم بهایی نباشد، در نهایت مظلومیت به نفع بازجو تمام خواهد شد.

این مجموعه هیچ سوگیری "سیاسی" ندارد. هدفش تنها افزایش آگاهی بهاییان در برابر روش ها و شگردهای بازجویی، حقوق شهروندی و حقوق متهمین می باشد، تا متهمین بهایی بتوانند از حداقل حقوق خود در چهارچوبی که قانون اساسی اجازه داده است، دفاع نمایند.

تجربه نشان داده است که همه ما عموماً وقتی از خاطرات زندانیان می شنویم، گمان می کنیم که این اتفاق هیچ وقت برای ما نخواهد افتاد. به همین دلیل خیلی به نکاتی که به جهت آمادگی ما در شرایط بازداشت عنوان می گردد، توجه نمی کنیم و یا بعد از مدتی فراموش می کنیم. اما عملکرد برخی ماموران اطلاعات نشان داده است که هر یک از ما ممکن است به ناحق احضار و بازداشت گردیم و یا منزلمان مورد تفتیش قرار گیرد. اگر چه مطالعه حقوق متهمین ممکن است سبب تشویش ذهن و موجب آشفتگی خاطر گردد، اما به ما کمک خواهد کرد که بحران های احتمالی را با مهارت های بیشتری مدیریت نماییم.

با توجه به گسترش دستگیری بهاییان در برخی استان های ایران مانند مازندران، سمنان، مشهد، شیراز و اصفهان به نظر رسید که وقت آن رسیده که برخی تجربیات در این استان ها و مفاد قانونی به صورت اقدامی فردی و خودش جوش ، در اختیار سایر بهاییان و هموطنان عزیز قرار گیرد. این مجموعه تنها برداشت های شخصی از مطالعه پرونده ها بهاییان می باشد و نباید به توصیه های آن به عنوان تنها راه قطعی نگاه کرد. به علاوه هدف از این مجموعه تقابل با بازجویان نیست، که در این صورت چه پیروز شویم، چه شکست خوریم، در حقیقت مغلوب شده ایم، زیرا در هنگام تقابل، ارزش های اخلاقی خود را فراموش کرده ایم. بلکه بدان امید تهیه شده است تا با بسط " آگاهی " قدمی هر چند کوچک در مسیر احقاق حقوق شهروندی بهاییان و همه ایرانیان برداشته شود.

از آنجا که شاید انتقال حجم زیاد قوانین و نکات مفید در شرایط بازداشت، یادگیری لازم را به همراه نداشته باشد، به نظر رسید شاید بیان مطالب به صورت تست، فضا سازی بهتری برای درک شرایط بازداشت ایجاد نماید. باید به خاطر داشت که در هنگام پاسخ به این سوالات، متهم در نهایت آرامش بر روی گزینه ها تامل می کنید، اما هنگامی که در مقابل بازجو نشسته اید و یا منزلتان تفتیش می شود، نه تنها استرس ممکن است بر متهم حاکم شود، بلکه فرصت اندیشیدن و انتخاب را هم ندارید. به همین دلیل بسیاری از گزینه ها که در شرایط عادی برای ما عجیب است ، در حین تزییقات بسیار " معنادار " می شود. به علاوه هدف از این مجموعه به هیچ عنوان گرفتن امتحان و یا تست نمی باشد، بلکه قصدش تامل بیشتر بر روی جملات و گزینه هاست. بیشتر جنبه های آموزشی در آن مد نظر قرار گرفته است، تا رعایت اصول طراحی تست های علمی یا کنکوری!

هر تحقیق علمی ناگزیر از انتخاب وجهی از " هستی " است. این مجموعه نیز اگر چه در راستای نیل به آرمان احقاق حقوق شهروندی " همه ایرانیان " و حقوق " بشر " است، با این حال به تزییع حقوق اقلیت مذهبی بهایی در نیمه دوم دهه هشتاد در ایران پرداخته است. در این مجموعه سوالاتی که مربوط به بازجویی های بهاییان می باشد با علامت (\*) در کنار سوال مشخص گردیده است. امید است بررسی سایر سوالات برای هموطنان عزیز مفید باشد. به علاوه خلاصه ای از سوال و جوابهای بازجویی بهاییان پس از پاسخ نامه آمده است.

اگر چه این مجموعه پس از بررسی پرونده بالغ بر پنجاه بهایی در طی چهار سال انتهایی دهه هشتاد تهیه شده است، باید به خاطر داشت که هر جلسه بازجویی حادثه ای کاملاً منحصر به فرد است و تجربیاتش لزوماً تعمیم پذیر نیست. به همین دلیل این مجموعه در بخش " پرسشنامه " تنها به جمع آوری سوالاتی که توسط بازجویان از بهاییان پرسیده شده است و پاسخ های متنوعی که هر یک از متهمین بهایی فراخور شرایط منحصر به فرد خانوادگی، اقتصادی، روحیه ایمانی ، آگاهی از حقوق شهروندی و متهمین به این سوالات داده اند، پرداخته است. مسلماً شرایط بازجویی متهمی که در یکی از روستاهای دور افتاده زندگی می کند و هیچ رسانه ای به وضعیتش توجهی ندارد، با یک فعال مدنی که نگاه جهانیان به پرونده اش دوخته شده بسیار متفاوت است. نمی توان در مورد صحت پاسخ های مطرح شده توسط هیچ متهمی اظهار نظر نمود، مگر آنکه از لحاظ حقوقی این پاسخ ها بررسی شود.

ممکن است در برخی موارد گزینه ها و سوالات عجیب به نظر برسد. با این حال باید به خود یادآور شویم که آگاهی ما از حقوق شهروندیمان وام دار هزینه هایی است که این عزیزان در طی این سال ها در نهایت اخلاص پرداخته اند. به علاوه در این مجموعه اشاره ای به برخی رفتارهای ناشایست ماموران اطلاعات که از خاطره تاریخ محو نخواهد شد، نگردیده است.

در بخش "بررسی و تامل تست ها" نیز سعی شده علاوه بر برداشت های شخصی و تحلیل های حقوقی، پاسخی هایی از متهمین بهایی که در عین حال که اصل صداقت و مفاد قانونی در آنها رعایت شده، به تیره فرد از اتهام مذکور منجر شده است، نیز ذکر گردد. همچنین در انتهای هر سوال قوانین مربوطه از "قانون اساسی جمهوری اسلامی"، "منشور حقوق شهروندی" نیز ذکر گردیده است.

توصیه می شود که این مجموعه به صورت گروهی و یا کارگاهی بررسی گردد و با همکاری حاضرین حتما قسمت "تمارین" که در بخش پایانی آمده است، انجام شود. در نهایت هر فرد خود مختار است که فراخور روحیات و شرایطی که دارد، در بازجویی حاضر شود. مسلما این مجموعه با کاستی های فراوان رو به رو است. امید است با توجه و ارائه نظرات متهم عزیزان تکمیل گردد. به علاوه در مسیر "یادگیری" راهکارهای مناسبتری در جهت آمادگی برای شرایط بازداشت پیشنهاد شود.

پرتکاپو تا برقراری برابری مانیدا

ترنم اشتیاق

## پیشینه تحقیق:

در ارتباط با اتهاماتی که بر بهاییان در طی چندسال اخیر وارد شده است، منابع تحقیقی زیادی در دست نیست. شاید اولین منبعی که در اختیار برخی متهمین بهایی قرار گرفت و الهام بخش بسیاری از اقدامات بعدی گشت، جزوه "حقوق شهروندی" می باشد، که توسط استاد عزیز جناب عبدالفتاح سلطانی تهیه و تنظیم گردید.

"مجموعه دفاعیات" اثر استاد عزیز جناب ع.روشنی از جمله آثاری است که به پنج اتهام یاران عزیز ایران پرداخته است. "تبلیغ علیه نظام"، "اقدام علیه امنیت ملی"، "جاسوسی"، "افساد فی الارض"، "محاربه" سرفصل های موضوعی این اثر می باشند. با توجه به اینکه برخی از اتهامات فوق تنها در بستر قوانین جمهوری اسلامی ایران معنا می یابد و برخی نیز مانند "افساد فی الارض" و "محاربه" سبقه دینی دارند، در مجموعه دفاعیات نگارنده سعی نموده با استناد به قوانین جمهوری اسلامی و همچنین آیات قرآن کریم، احادیث، نظر علماء و پیشوایان مذهب شیعه نشان دهد، که اتهامات فوق از پایه بی اساس و بر بهاییان وارد نیست.

جناب روشنی در این اثر نشان می دهند، که بر خلاف آنچه تصور می شود، اسلام دین آزادی بیان است و فعالیت های بهاییان از مصادیق "تبلیغ علیه نظام"، "اقدام علیه امنیت ملی"، "افساد فی الارض" و "محاربه" نمی باشد.

برای دریافت این اثر به کتابخانه سایت آگاهی می توانید مراجعه نمایید.<sup>۱</sup>

## احکام صادره از دادگاه های انقلاب جمهوری اسلامی ایران:

حضرت مسیح می فرمایند که درخت را باید از میوه اش شناخت. میوه و نتیجه تمام مراحل احضار، تفتیش منزل، بازداشت، بازجویی، مراجعات خانواده متهم به دوایر قضایی همه و همه در حکمی که قاضی صادر می کند، به بار می نشیند. این میوه چه خوشگوار باشد، چه در ظاهر ناگوار چون در مسیر تحقق آرمانهای والای انسانی، تحقق عدالت و احقاق حقوق شهروندی است، از هر شهدی نزد بهاییان شیرین تر است. مطالبی که در ادامه می آید، نه برای مقابله به مثل کردن، با بازجو که تلاشی برای احقاق حقوق شهروندی بهاییان و سایر هموطنان در برابر بی قانونی هایی است که بعضا در مراحل بازداشت و صدور حکم صورت می گیرد. البته رفتار همه قضات در برابر بهاییان یکسان نیست و چه بسا جانب عدل تا جایی که مقدور بوده رعایت شده است، با این حال متهم در مرحله بازجویی نمیدانید که پرونده متهم توسط کدام قاضی بررسی خواهد شد.

در ادامه نمونه هایی از احکام صادره از دادگاه های انقلاب را خواهید دید. این احکام نشان می دهند تا چه اندازه آگاهی از حقوق متهمین و شهروندی، به علاوه آگاهی از نحوه پاسخگویی به سوالات بازجو حائز اهمیت می باشد.

نمونه اول: حکم خانم پگاه سنایی و خانم فیروزه یگان در دادگاه بدوی:

از جمله جرایم خانم پگاه سنایی - از بهاییان شهرستان قائمشهر که در سال ۸۸ بازداشت شدند - که در حکمشان قید شده است، "ترویج فضایل خوب اخلاقی" است. هم چنین از جرایم خانم فیروزه یگان که همزمان با خانم سنایی در این شهر بازداشت شدند، بردن گل و عیادت از بیماران در بیمارستان می باشد.

(عکس متن حکم)

نمونه دوم: نظر دادستان شیراز در مورد فعالیت جوانان بهایی در روستاهای این شهر.

ایشان تایید نمودند که جوانان بهایی این شهر در اقدامات خود هیچ فعالیت تبلیغی نکردند و هیچ یک از اهالی روستاهای اطراف شیراز نمی دانستند که ایشان بهایی هستند. با این حال هیچ توجهی به این نظر نشد و خانم ها رها ثابت، هاله ... و آقای ساسان تقوی محکوم به زندان شدند.

( تصویر متن حکم)

نمونه سوم: حکم آقای هوشنگ فنائیان در دادگاه بدوی:

ایشان به خاطر عضویت در فیس بوک در حالی که هیچ شاکی خصوصی نداشتند، محکوم به یک سال حبس تعزیری شدند. همچنین به خاطر عضویت در جامعه بهایی و شرکت در ضیافت به عنوان گروهی ضد انقلاب به سه سال حبس تعزیری محکوم گردیدند: (تصویر متن حکم ایشان)

## پرسشنامه:

تست‌های زیر از موقعیت‌های عینی و واقعی که توسط مامورین اطلاعات در رویارویی با متهمین بهایی ایجاد شده است، طراحی گردیده است. گزینه‌ها نیز عکس‌العمل‌های متفاوت بهاییان در برابر رفتار مامورین است. این مجموعه هیچ قضاوتی در مورد درستی یا نادرستی این گزینه‌ها نمی‌کند، منتهای مراتب سعی می‌کند پاسخها را از لحاظ حقوقی در بخش "بررسی و تامل" بررسی نماید.

سعی کنید در هنگام پاسخگویی به سوالات خود را در شرایط واقعی تست قرار دهید. اعضای خانواده، وابستگی‌های عاطفی و سایر نیازهای خود را به یاد آورید و سپس گزینه مورد نظر را انتخاب نمایید. لطفاً به پس از مطالعه دقیق سوالات زیر، در کنار گزینه‌هایی که به نظر متهم مناسب هستند علامت جمع (+) و در کنار گزینه‌هایی که نامناسب می‌دانید علامت (-) بگذارید.

### مرحله اول: احضار، تفتیش، بازداشت

۱. بازجوی اطلاعات با شما تماس تلفنی گرفته که به ستاد خبری اداره اطلاعات برای پاسخگویی به پاره‌ای سوالات بروید. در غیر اینصورت مجبور است از طرق قانونی با شما برخورد کند. پاسخ شما به این درخواست بازجو چیست؟
  - الف) به خاطر اینکه ایجاد استیحاژش نکند و مساله هر چه سریعتر تمام شود، به ستاد خبری اداره اطلاعات مراجعه می‌کنم.
  - ب) اطلاعات با قدرتی که دارد به راحتی می‌تواند حکم جلب مرا بگیرد، پس مراجعه می‌کنم.
  - ج) من اگر بدون احضار به کتبی با سر برگ قوه قضاییه به ستاد خبری بروم، از آنجا که پرونده قضایی برای بنده تشکیل نشده است، هر اتفاقی برای من بیافتد هیچ مرجع قضایی به خانواده ام پاسخگو نخواهد بود.
  - د) بدون حکم مراجعه نمی‌کنم، زیرا بازجو باید بداند که در قبال بنده نمی‌تواند درخواست‌های غیرقانونی داشته باشد. اتفاقاً اگر با حکم قانونی از مراجع قضایی نزد من بیاد، بنده پاسخگو و پذیرا خواهم بود.
  - ه) اگر من بدون حکم بروم، دلیل ندارد سایر دوستانم نیز با یک تماس تلفنی به ستاد خبری مراجعه نکنند. بازجوی اطلاعات می‌تواند از این طریق اطلاعات زیادی بدست بیاورد و در جامعه بین دوستان اختلاف بیاندازد.

۲. اگر به هر طریق متوجه شدید که قرار است مامورین اطلاعات به منزل شما به جهت تفتیش منزل یا بازداشتتان بیایند، چه اقداماتی انجام خواهید داد؟

الف) ما مطلب پوشیده‌ای نداریم و جرمی نکرده ایم که هراسی داشته باشیم. به همین دلیل هیچ اقدامی لازم نیست.



ب) تمام کتابهای مناجات، سی دی های بهایی ، خانوادگی و ... کتابهای بهایی و متهمیل مبارک ، پیام های بیت العدل، کتاب های روحی و ... را جمع می کنم تا هیچ اثری از آثار بهایی در منزل من باقی نباشد که به وسیله آن برایم جرم تراشیده شود.

ج) یک آیفون تصویری نصب می کنم تا بتوانم چهره افرادی که به منزل می آیند را شناسایی کنم تا در را به روی هر کسی باز نکنم.

د) چند کتابچه مناجات، سی دی امری و متهمیل مبارک را نگه می دارم، بقیه را جمع می کنم.

۳. فردی که خود را مامور اطلاعات معرفی می کند، زنگ خانه متهم را می زند. چه برخوردی با وی دارید؟

الف) چند لحظه فرصت می خواهم تا خود را آماده کنم و بعد در را باز می کنم.

ب) تنها در صورتی در را باز می کنم، که برای دستگیری من آمده باشند.

ج) اگر در خانه تنها باشم، در را باز نمی کنم.

د) بعد از اینکه آماده شدم، دم در می روم و درخواست می کنم که حکم احضاریه ، تفتیش و یا جلب را نشان دهند.

ه) چون مقاومت در برابر مامورین خشم آنها را چند برابر می کند، در را باز می کنم و سعی می کنم وارد مذاکره شوم.

۴. شخصی خود را مامور برق معرفی می کند، حدس می زنید شاید مامور اطلاعات باشد. چه می کنید؟

الف) بی درنگ در را باز می کنم تا میداد همسایه ها متوجه حضور مامورین شوند و آبرویم برود.

ب) ابتدا خود و خانه را مرتب و آماده می کنم، سپس در را باز می کنم.

ج) نام و فامیلیش را می پرسم و بعد با اداره برق تماس می گیرم، ببینم که چنین شخصی مامور برق هست یا خیر؟

د) از آیفون تصویری در خواست می کنم که کارت شناسایی خود را به من نشان دهد.

۵. وقتی مامورین اطلاعات خود را معرفی کردند، می خواهند وارد خانه شوند. شما چه پاسخی به این درخواست می دهید؟

الف) چون مامور قاتون هستند، ایشان را به داخل راهنمایی می کنم.

ب) کارت شناسایی اش را می خواهم، اگر مامور اطلاعات بود اجازه می دهم که وارد خانه شوند.

ج) اگر در برگه احضاریه ، تفتیش و یا بازداشت نام من موجود باشد، در برابر ورودشان به منزل مقاومت نمی کنم.

د) تا زمانی که متن حکم را کامل نخوانم و سربرگ قوه قضائیه و مهر و امضاء مرجع قضایی در آن موجود نباشد، اجازه ورود نخواهم داد.

ه) اگر پرخاشگری کردند در برابر ورودشان به منزل مقاومت نمی کنم، اما موارد غیرقانونی کارهایشان را مرتباً به ایشان یادآور می شوم.

۶. وقتی مامورین اطلاعات وارد منزل شما شدند، شروع به تفتیش منزل می کنند. عکس العمل شما در برابر این رفتار مامورین اطلاعات چیست؟

الف) از آنجایی که مقاومت من موجب خشم و عصبانیت مامورین خواهد شد و ممکن است به اعضای خانواده صدمه بزنند بنده می گذارم که منزل را تفتیش کنند.

ب) به آنها اجازه تفتیش می دهم اما در انتها لیستی از وسایلی را که ضبط و ثبت کرده اند را از ایشان درخواست می کنم.

ج) اگر در حکم بنده تفتیش منزل ذکر شده باشد، بدون هیچ مقاومتی اجازه تفتیش منزل را به ایشان می دهم.

د) اگر در حکم بنده تفتیش منزل ذکر شده باشد، تنها اجازه می دهم وسایل بنده را جستجو کنند.

ه) اگر حکم در بنده تفتیش منزل ذکر شده بود و مامورین وسایل سایر اعضای خانواده را ضبط نمودند، بنده لیستی از وسایلی که ضبط کرده اند را امضاء نخواهم.

ی) اگر در حکم بنده تفتیش منزل ذکر شده بود، تا زمانی که یک نسخه از لیست وسایلی که ثبت و ضبط شده را در اختیارم قرار ندهند، بنده این لیست را امضاء نخواهم کرد.

## مرحله دوم: بازجویی اولیه

هر جلسه بازجویی یک برگه منحصر به فرد از دفتر تاریخ است، که نه پیشتر نوشته شده و نه در آینده تکرار خواهد شد. هیچ بازجویی قادر نیست که با دو متهم به یک نحو رفتار کند. حتی نمی تواند با یک متهم دو بازجویی مشابه داشته باشد. زیرا در جلسات بازجویی متهم و بازجو به عنوان دو انسان با تمام پیچیدگی های روانشناختی و ذهنی در تعامل با هم قرار می گیرند و لحظاتی بی بدیل را در تاریخ می آفرینند. چنانچه هیچ انسانی تا به حال نتوانسته پای خود را دو مرتبه در یک رودخانه وارد نماید - زیرا آب رودخانه برای بار دوم، همان آب رودخانه در مرتبه اول نیست و ... - هیچ دو بازجویی نیز در طول تاریخ مانند هم نبوده است. در نتیجه نمی توان نتایج یک بازجویی را به بازجویی دیگر حتی توسط همان بازجو تعمیم داد. با این حال آنچه در تمام جلسات بازجویی میان متهمین و بازجویان مشترک است، تنها زبان مشترک میان بازجو و متهم قانون است. به علاوه فقط از طریق اصول و مواد قانونی است که می توان جلسات بازجویی را تحلیل نمود و یا پیشنهادی ارائه داد.

مسئله جلسه بازجویی متهمی در شهرستانی دور بسیار متفاوت با شرایط بازجویی یک فعال حقوق بشر در تهران است که رسانه های بسیاری کوچکترین تخلفی در مورد وی را به گوش جهانیان خواهند رساند. با این حال هر دوی آنها در برابر قانون یکسانند و در صورت آگاهی به یک میزان می توانند در دفاع از خود از این مواد قانونی استفاده نمایند.

بنابراین سعی کنید به سوالات زیر متناسب با روحیات و عقاید خود پاسخ دهید، از طرفی سعی کنید تا آنجا که می توانید باورهای خود را با قوانین حقوق شهروندی تطبیق دهید. این تطبیق اگر چه ممکن است در ابتدا کمی چالش برانگیز باشد، اما به شما کمک می کند تا شرایط بازجویی را بهتر درک کنید.

وقتی وارد ستاد خبری می شوید، بازجویی اطلاعات سوالاتی از شما می پرسد و برگه ای در اختیارتان قرار می دهد تا مشخصات خود را در آن بنویسید و سوالات بازجو را کتبا جواب دهید.

۷. عکس العمل شما به بازجو چه خواهد بود؟

الف) به سوالاتش کتبا جواب می دهم.

ب) اگر اتهامات مرا بیان کند، تنها به سوالات مربوط به اتهام پاسخ می گویم.

ج) به سوالاتش شفاها پاسخ می گویم، اما کتبا چیزی نخواهم نوشت.

د) تا نزد بازپرس یا دادستان در مراجع قضایی تفهیم اتهام نشوم، چیزی نخواهم گفت.

ه) چون ترسی از بازجو ندارم و خلافی هم مرتکب نشده ام، هر آنچه بگویم راستش را به او خواهم گفت.

اگر به گزینه به یکی از گزینه های ( الف، ب، ج) پاسخ دادید، به سوال زیر جواب دهید:

۸. بعد از ورود شما به ستاد خبری، اگر بازجو به شما بگوید که اتهام شما " تبلیغ بهائیت " است، و مدرکی نیز دال بر صحت ادعای خود به شما نشان بدهد، شما چه پاسخی به او می دهید؟  
(الف) از خود دفاع خواهم کرد و دلایل نادرستی ادعایش را برایش می نویسم.  
(ب) اگر در مدرکی که ارائه می دهد، بنده کسی را تبلیغ کرده بودم. این اتهام را می پذیرم. سپس دفاع خود را کتبا می نویسم.  
(ج) سعی می کنم بیشتر شفاهی برایش توضیح دهم و پاسخ کتبی بسیار کوتاهی ارائه دهم.  
(د) تفهیم اتهام بازجو فاقد اعتبار حقوقی و قضایی است و به سوالاتش پاسخی نخواهم داد.  
(ه) اتهام بنده ابلاغ نشده است، پیش از تفهیم اتهام نزد یک مرجع صالح قضایی به هیچ سوالی پاسخ نخواهم داد.

۹. بعد از ورود به ستاد خبری اگر به سوالات بازجو پاسخ ندهید، شما را تهدید به انفرادی، شکنجه و ... می کند. عکس العمل شما چه خواهد بود؟

(الف) تاکید می کنم تا ظرف بیست و چهار ساعت باید نزد یک مرجع صالح قضایی تفهیم اتهام شوم و تا آن زمان به هیچ سوالی جواب نمی دهم.

(ب) سعی می کنم با لسان شفقت او را آرام کنم.

(ج) به برخی از سوالاتش جواب می دهم، تا با درایت و حکمت شرایط دشوار بازجویی کمی تغییر کند.

(د) من هم با او شروع به مجادله می کنم.

(ه) در نهایت بی تفاوتی به حرف هایش گوش می کنم.

#### مرحله سوم: تفهیم اتهام:

۱۰. وقتی شما را برای تفهیم اتهام نزد بازپرس می برند، در حینی که از شما سوال می پرسند، بر اساس اتهاماتی که مامورین

اطلاعات برایش نوشته اند و پاسخ های شما برگه تفهیم اتهام شما را می نویسد و از شما می خواهد که امضایش کنید:

(الف) بنده دستور مرجع قضایی را می پذیرم و برگه تفهیم اتهام را امضاء می کنم.

(ب) اول متن را کامل می خوانم اگر همان مطالبی بود که خودم گفته بودم، اتهاماتم را می پذیرم و امضاء می کنم.

ج) با توجه به اینکه می دانم بیگناهم، به همه اتهامات اعتراض می کنم و بعد امضاء می کنم.

د) تا زمانی که بازپرس قرار بازداشت بنده را دقیق معلوم نکند، امضاء نخواهم نکرد.

ه) در هر صورت به قرار بازداشت و اتهاماتم اعتراض می کنم و بعد امضاء می کنم.

ی) به قرار بازداشت و اتهاماتم اعتراض می کنم و امضاء هم نمی کنم.

### شرایط بازداشتگاه:

۱۱. اگر بازجو برای اینکه شما را مجبور به پاسخگویی کند، تهدید به بازداشت در اتاقی تاریک، با سر و صدا، سوسک و یا موش

نماید. چه عکس العملی نشان خواهید داد؟

الف) من از تنهایی و تاریکی می ترسم. از بازجو التماس می کنم که با من چنین نکند.

ب) من از سوسک، موش، تاریکی می ترسم و اگر تهدید به چنین شرایطی شوم، هر چه بخواهند می گویم.

ج) من از تنهایی، تاریکی، سوسک می ترسم. اما تا زمانی که شرایط بازداشتم تغییر نکند، به هیچ سوالی پاسخ نخواهم داد.

د) اگر مرا تهدید به بازداشت در اتاقی پر از سوسک کنند، خواهم خندید و گفت که در باغ بزرگ شدم و از این چیزها نمی ترسم.

۱۲. شما اوقات خود را در انفرادی چطور می گذرانید؟

الف) چند روز اول را فقط می خوابم تا خستگی هایم در رود.

ب) هر روز صبح حمام می کنم و دستشویی را می شورم، سپس نرمش می کنم.

ج) سعی می کنم با افرادی که درس لول های مجاورم هستند، دوست شوم.

د) با ظرف غذا کار دستی درست می کنم.

ه) ساعتی از روز را به تلاوت دعا و مناجات و خواندن شعر و سرود می گذرانم.

و) به بازجویی هایم اصلاً فکر نخواهم کرد، زیرا موجب نگرانی و استرسم می شود.

ی) ساعتی از روز به بازجویی هایم فکر می کنم تا بتوانم به سوالات با آمادگی بیشتری جواب دهم.

۱۳. گاهی اوقات به جای بازداشتگاه شما را از همان ابتدا به زندان می برند، و برای بازجویی به ستاد خبری می آورند. عکس

العمل شما به این عمل هنگام بازجویی چیست؟

الف) راهی جز پذیرش این شرایط و پاسخگویی به سوالات بازجو ندارم.

ب) با توجه به اینکه شرایط بازداشت بنده رعایت نشده است، به بازجویی ها پاسخ نمی دهم.

ج) اعتراض خود را کتبا به مددکار زندان ارائه می دهم تا به رئیس زندان منتقل کند.

د) در برگه بازجویی اعتراض خود را منعکس کرده، ولی در صورت اعمال فشار بازجو به سوالاتش پاسخ می دهم.

## بازجویی:

۱۴. پس از تفهیم اتهام اگر با بازجو همکاری نکنید، ممکن است شما را تهدید، یا شکنجه کنند. عکس العمل شما به او چه خواهد بود؟

(الف) به او می گویم که من در راه عقیده از جان گذشته ام، هر چه می خواهی بکن

(ب) سعی می کنم با حسن رفتار بهایی او را دعوت به آرامش کنم.

(ج) به محض اینکه شروع به تهدید یا فحاشی کرد، در برگه بازجویی می نویسم که توسط بازجو تحت شکنجه روحی هستم و به سوالات پاسخ نمی دهم.

(د) برای اینکه بدانند از او نمی ترسم، بنده نیز بر سرش فریاد می کشم و می گویم تمام کارهای متهم غیرقانونی است.

۱۵. بازجویی با چشم بند، رو به دیوار نشانیدن، اجازه تماس با خانواده ندادن، اجازه هواخوری ندادن و فحاشی، شکنجه جسمی و روحی به هرطرفی از مصادیق نقض حقوق متهم می باشد. در صورتی که بازجو با شما چنین رفتاری داشت، چه عکس العملی از خود نشان خواهید داد؟

(الف) اگر زهر دهد، شاهد خواهم بخشید و سعی می کنم در نهایت ادب به سوالاتش پاسخ دهم.

(ب) نهایت ادب و احترام را برایش قائلم، اما به هیچ سوالی پاسخ نخواهم داد تا زمانی که شرایط بازجویی بنده تغییر کند.

(ج) سعی می کنم به مرور اعتمادش را جلب کنم، زیرا تربیت امری تدریجی است.

(د) سعی می کنم درحین پاسخگویی به ایشان با یادآوری حقوق متهمین از خود نیز دفاع کنم.

(ی) با توجه به اینکه در ایام بازداشت قدرت در اختیار بازجو است، سعی می کنم موجب رنجش نشوم.

گاهی اوقات بازجو عکسی از شما را که در کیس کامپیوتر شما بوده و یا از طریق ایمیل و یا فیس بوک شما آن را دریافت کرده است. به شما نشان می دهد. در رابطه با آن از شما سوالاتی می کند.

۱۶. نام افرادی که در این تصویر می بینی چیست؟

(الف) نام تک تک افراد را می گویم و می نویسم.

- ب) نامشان را به بازجو می گویم اما نمی نویسم.
- ج) نام بعضی ها را که بیشتر می شناسم و از آشنایان نزدیکم هستند، می نویسم
- د) نام افرادی را که کمتر می شناسم می نویسم.
- ه) می گویم که اینها اطلاعات شخصی من است و شما حق ندارید از آنها سوال کنید.

۱۷. تصویر یکی از دوستانتان را به همراه نامش جلوی شما می گذارند و درباره او و اقداماتش از شما می خواهند که بنویسید:

- الف) هر آنچه بدانم به آنها می گویم تا بفهمد که جامعه ما مطلب پوشیده و پنهانی ندارد.
- ب) هر آنچه می دانم به او می گویم تا به اینکه با او صادقم اعتماد کند.
- ج) سعی می کنم تنها مطالب اصلی در مورد فعالیت هایش را بگویم و وارد حواشی نشوم.
- د) سعی می کنم یک سری اطلاعات بی ربط مانند قد و وزن و قیافه اش را برایشان بنویسم.
- ه) می گویم که اینها اطلاعات شخصی بنده است و تا زمانیکه ارتباط دقیقش با اتهام بنده روشن نشود، بنده پاسخی نمی دهم.

گاهی اوقات بازجو مطالبی را در مورد یکی از آشنایانتان بیان می کند. در مورد فساد اخلاقی، مالی و ... او به شما می گوید. صحبت از فیلمی می کند که ادعاهای او را ثابت می نماید. حتی از شما دعوت می کند که فیلم را ببینید.

۱۸. عکس العمل شما در پاسخ به این مطالب چیست؟

- الف) می گویم برویم فیلم را ببینیم، چون می دانم که دوستم امکان ندارد چنین کاری کرده باشد.
- ب) شروع به دفاع کردن از دوستم می کنم تا اتحاد جامعه و اطمینان بهاییان را به یکدیگر نشان دهم.
- ج) از فسادهای بیشمار جامعه غیربهای می گویم و از او درخواست می کنم که به مشکلات جامعه بزرگتر هم نگاهی بیاندازد.
- د) در پاسخ می گویم که تنها به اتهامات خود پاسخ می دهم.
- ه) می گویم که اگر چنین مدارک مستندی دارید میتوانید دوستم را احضار کنید و در مورد این مطالب از خودش بپرسید، نه من.
- ی) می گویم بیانات شفاهی شما و فیلم هیچ مدرک محکمه پسندی نیست.

در زیر سوالاتی مطرح می شود که تقریباً از همه بهائیان توسط بازجوی اطلاعات پرسیده می شود:

۱۹. آیا شما تبلیغ می کنید؟

الف) بله! بنده تبلیغ می کنم.

ب) اگر منظور شما تبلیغ دیانت بهایی است، بله! بنده تبلیغ می کنم.

ج) تبلیغ دیانت بهایی از فرائض هر فرد بهایی است و بنده به حکم عقیده دینی خودم تبلیغ می کنم.

د) بنده تبلیغ علیه نظام نمی کنم.

ه) خیر! بنده هیچ تبلیغی نمی کنم.

۲۰. آیا شما تبلیغ بهائیت می کنید؟

الف) بله! تبلیغ دیانت بهایی می کنم

ب) تبلیغ دیانت بهایی از فرائض دینی هر فرد بهایی است، به همین دلیل بنده تبلیغ می کنم.

ج) این سوال ارتباط شفاقی با اتهام بنده که تبلیغ علیه نظام است ندارد.

د) تبلیغ دیانت بهایی امری عقیدتی است و تفتیش عقاید ممنوع است و صرف داشتن عقیده جرم نیست.

ه) بنده بهایی هستم، اما تبلیغ دیانت بهایی نمی کنم!

۲۱. آیا شما در ضیافت شرکت می کنید؟

الف) بله! بنده در ضیافت شرکت می کنم.

ب) بله! بنده در ضیافت به عنوان یک جمع دینی شرکت می کنم!

ج) بله! شرکت در ضیافت یک وظیفه روحانی است که همه بهائیان بدان توصیه شده اند.

د) تمام تشیکلات بهایی در ایران تعطیل است و تفتیش عقاید ممنوع است.

ه) خیر! بنده در ضیافت شرکت نمی کنم.

۲۲. آیا شما پول هایی را که در "گلدان" ضیافت های خود می ریزید و به

عنوان تبرعات جمع آوری می کنید، برای اسرائیل می فرستید؟

الف) خیر، بخشی از تبرعات صرف ملهوقین و نیازمندان جامعه بهایی می شود، مابقی برای بیت العدل اعظم که در

فلسطین اشغالی است فرستاده می شود.

ب) بنده اطلاع دقیقی از اینکه با تبرعات چه می کنند، ندارم.



ج) ضیافت نوزده روزه شامل بخش های روحانی، اداری و اجتماعی می باشد، در شرایط فعلی ایران همه نیازمند هستند، کسی پول درون گلدان نمی اندازد.

د) سوال فوق القایی است و بنده پاسخی بدان نمی دهم!

۲۳. آیا شما بیت العدل را قبول دارید؟

الف) بله! بنده بیت العدل را به عنوان یک مرجع مصون از خطا قبول دارم.

ب) بله! بنده حاضرم که جانم را در راه هدایات ساحت رفیع هم بدهم.

ج) تفتیش عقاید ممنوع است و اعتقاد به بیت العدل امری عقیدتی است.

د) سوال فوق ارتباط شفاف با اتهام بنده که تبلیغ علیه نظام است ندارد.

در صورتی که به گزینه های الف یا ب در سوال چهار پاسخ دادید به سوال زیر پاسخ دهید:

۲۴. مقر بیت العدل اعظم الهی در کجاست؟

الف) اسرائیل

ب) در فلسطین اشغالی

ج) حضرت بهاءالله را از ایران به حکومت عثمانی تبعید کردند و ایشان نهایتاً - هفتاد سال پیش از تشکیل حکومت

اسرائیل - در عکا صعود (وفات) نمودند. و اکنون مقر بیت العدل در حیفایست.

د) تفتیش عقاید ممنوع است و بنده تبلیغی علیه نظام نکرده ام.

ه) سوال فوق ارتباط شفاف با اتهام بنده ندارد و به این سوال جواب نمی دهم.

۲۵. آیا شما طرح روحی را به جهت احیای مادی و معنوی ایران مناسب میدانید؟

الف) بله! بنده این طرح را برای احیای روحانی ایران بسیار مفید می دانم.

ب) بله! اما بنده اعتقاد دارم که این طرح باید در ایران بومی سازی شود.

ج) این طرح برای سایر نقاط عالم خوب است ولی برای ایران کارآمد نمی باشد.

د) به نظرم ما باید در ایران به تبلیغ فردی خود ادامه دهیم و از تبلیغ سیستماتیک در این شرایط بپرهیزیم.

ه) اصل بر برائت متهم است، شما باید در ابتدا جرم بنده را اثبات کنید تا به سوالات شما پاسخ بگویم.

ی) این سوال ارتباط شفاف با اتهام بنده ندارد

اگر به گزینه های ه یا ی پاسخ دادید، به سوال زیر جواب دهید:

۲۶. طرح روحی به جهت گمراه کردن جوانان مسلمان در ایران به دستور بیت العدل اعظم شروع به فعالیت کرده است. تا با ایجاد تشکیک در اذهان عمومی ریشه های عقیدتی جوانان مسلمان را برهم ریزد و بدین طریق پایه های نظام اسلامی را متزلزل خواهید کرد. شما از شرکت در حلقه های مطالعه طرح روحی چه هدفی را دنبال می کنید؟

- الف) طرح روحی در سراسر عالم فعالیت می کند و هدف من از شرکت در این جلسات تعالی روحانی جامعه بشری است.
- ب) بنده در این حلقه ها شرکت می کنم، اما تبلیغ علیه نظام نمی کنم.
- ج) بنده هیچ تبلیغی علیه نظام نمی کنم و تشکیلات اداری بهایی در ایران تعطیل است.
- د) اذن به شیئی اذن در لوازم شیئی نیز هست. وقتی بهایی بودن جرم نیست، تبلیغ که از ابزار آن نیز می باشد نیز جرم به حساب نمی آید.
- ه) سوال فوق القائی است، بنده به این سوال پاسخ نمی دهم.

۲۷. سوابق تشکیلاتی خود را در جامعه بهایی بنویسید:

- الف) با توجه به اینکه زمانی که عضو تشکیلات بودم، اطلاعات کاملاً در جریان فعالیتهای جامعه بهایی بود و عملی غیر قانونی به حساب نمی آمد، بنده سوابق خود را خواهم نوشت.
- ب) با توجه به اینکه سوابق تشکیلاتی بنده ارتباط شفافی با اتهام من که تبلیغ علیه نظام و یا عضویت در گروه های برانداز نظام است ندارد، به این سوال پاسخ نمی دهم.
- ج) به صورت شفاهی فعالیت های خود را برای بازجو توضیح می دهم تا عصبانی نشود، اما کتبا چیزی را نمی نویسم.
- د) اگر ننویسم بازجوی اطلاعات فکر می کند که قصد پنهان کاری دارم و دیگر به حرف های دیگر من نیز اعتماد نخواهد کرد.

۲۸. آیا شما مربی درس اخلاق هستید و یا خودتان و یا فرزندان در کلاس های درس اخلاق شرکت می کنند؟

- الف) بله! بنده مربی و یا مربی درس اخلاق هستم.
- ب) بله! درس اخلاق کلاسی برای رشد فضائل اخلاقی است.
- ج) خیر! بنده نه معلم و نه در کلاس درس اخلاق شرکت می کنم.
- د) این سوال ارتباط شفافی با اتهام بنده که تبلیغ علیه نظام است ندارد و بنده از پاسخگویی بدان معذورم.
- ه) بنده هیچ تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی ایران نکرده ام.
- ی) درس اخلاق از کلاسی دینی است و تفتیش عقاید بر اساس قوانین جمهوری اسلامی ایران جرم نیست.

۲۹. شما در چه رشته ای از موسسه غیر قانونی عملی آزاد بی آی ای تحصیل می کنید؟

الف) بنده در رشته (مثلا حقوق) تحصیل می‌کنم.

ب) از آنجا که بنده از مدرک در مراجع دولتی استفاده نمی‌کنم، مهم نیست که وزارت علوم مدرک مرا نپذیرد.  
ج) وظیفه دولت تسهیل امکان تحصیلات عالی برای همه مردم است، با این حال بنده به خاطر عقیده ام از تحصیلات عالی محروم شده‌ام. که این محرومیت خود غیر قانونی است و در هیچ کجای قانون اساسی تحصیل علم جرم نیست.  
د) بنده یک دانشجوی محروم از تحصیلات عالی هستم و عضو هیچ گروه مخالف نظام جمهوری اسلامی نیستم.

۳۰. بازجو به شما می‌گوید که شما بهایان با کارهای عام المنفعه قصد دارید، خود را خوب نشان دهید تا با زست حقوق بشری ترحم مسلمانان را برانگیزید و در لوای این فعالیتها آموزه های بهایی را به مسلمانان انتقال دهید و افکار این را فاسد کرده و ایشان را بهایی کنید. باید تعهد کنید که در زمینه فعالیتهای توسعه هیچ اقدامی نخواهید کرد:  
الف) بنده متعهد می‌شوم، که دیگر فعالیت نکنم.

ب) بنده جرمی مرتکب نشده‌ام تا بخوام به چیزی تعهد دهم.  
ج) شما هم می‌توانید با اقدامات عام المنفعه جوانان مسلمان و حتی بهایی را به سمت خود جذب کنید.  
د) برای احیای ایران نیاز است تا هر در زمینه توسعه اقدامات اقتصادی و اجتماعی تمام نهادها و گروه ها همگرا عمل کرده و در نهایت اتحاد به آبادانی کشورمان کمک کنیم.

۳۱. اگر بازجو شاکی خصوصیتان را با شما رو به رو کند، و یا دوستی را در جلسه بازجویی در برابر شما بنشانند که علیه شما مطالبی را عنوان می‌کند، چه خواهید کرد؟

الف) اگر مطالب شاکی خصوصی صحت داشته باشد، می‌پذیرم.

ب) همه موارد مطرح شده را تکذیب می‌کنم، زیرا می‌دانم شاکی تحت فشار از من شکایت کرده است.

ج) پاسخ به شاکی را به جلسه دادگاه موکول می‌کنم، زیرا جای شاکی خصوصی در دادگاه است نه جلسه بازجویی.

د) سعی می‌کنم با یادآوری مطالب به شاکی خصوصی ام به او حقیقت ماجرا را یادآور شوم.

۳۲. بازجو برگه ای را در برابر شما قرار می‌دهد تا به سوالاتش کتبا پاسخ دهید. در این برگه به چه نحوی پاسخ می‌دهید؟

الف) سعی می‌کنم سوال ها را کامل و شفاف پاسخ بگویم، شاید به مرور بازجو در اثر صداقت بنده تقلیب شود.

ب) تنها به سوالاتی که ارتباط شفاف با اتهام بنده می‌باشد و اتهام را به من القاء نمی‌کند، پاسخ می‌گویم.

ج) اگرخواهم به سوالی جواب بدهم، سعی می‌کنم بسیار کوتاه و مستند به قوانین باشد.

د) تا زمانی که با وکیل ملاقات نکنم، به هیچ سوالی پاسخ نخواهم داد و از حق السکوت خود استفاده خواهم کرد.

ه) زیر پاسخ های مستند به قوانینم خط می کشم و امضاء کرده، انگشت می زنم تا بازجو نتواند چیزی به نوشته هایم اضافه کند.

#### اقدامات خانواده ها بعد از بازداشت متهم:

فشاری که بر روی خانواده متهم در ایام بازداشت وی وارد می شود، بیش از فشار انفرادی نباشد، کمتر هم نیست. همچنانکه پاسخ های متهم در بازجویی کاملاً منحصر به فرد است، رفتار خانواده ها نیز یکتاست. بعضی خانواده ها معتقدند که پرونده باید سیر طبیعی خود را طی نماید و دخالت در پرونده موجب افزایش فشارها بر روی متهم می شود. برخی دیگر نیز معتقدند که مراجعه به مراجع قضایی موجب پیگیری هر چه سریعتر پرونده توسط مسئولان ذی ربط می گردد. در این میان آنچه می تواند به درستی ما را هدایت نماید، آگاهی از قوانین است.

۳۳. به ترتیب اولویت به کدام مراجع بعد از بازداشت عضو خانواده خود مراجعه می کنید، کدامند؟

- الف) ستاد خبری، بازپرس، دادستان، معاون دادستان، رئیس دادگستری شهر، ریاست دادگستری کل استان.
- ب) ریاست دادگستری کل استان، رئیس دادگستری شهر، دادستان، معاون دادستان، بازپرس، ستاد خبری.
- ج) رئیس اطلاعات کل استان، ستاد خبری، بازپرس، دادستان، نماینده ولی فقیه در شهر.
- د) بازپرس، دادستان، ستاد خبری، ریاست دادگستری شهر، دفتر پیگیری حقوق شهروندی، ستاد خبری.
- ه) اگر مراجع قضایی از بنده خواستند که مراجعه نکنم برای نشان دادن حسن نیت، دیگر مراجعه نخواهم نمود.

۳۴. اگر در پی مراجعات شما به مرجعی قضایی به درخواست شما پاسخی داده نشد، چه واکنشی از خود نشان می دهید؟

- الف) می پذیریم و در نهایت احترام از اطاق خارج می شوم.
- ب) آنقدر اصرار می کنم تا سرانجام پاسخی به من بدهد.
- ج) اگر مطمئن شدم که پرونده دست ایشان نیست، به مرجع مسئول مراجعه خواهم کرد. در غیر اینصورت در نهایت احترام و قاطعیت چند بار به ایشان مراجعه می کنم.
- د) وظیفه مرجع قضایی پاسخگویی به سوالات مراجعین است، اگر پاسخی نداد از وی شکایت خواهم کرد.

۳۵. اگر شرایط بازداشت عضو خانواده متهم دشوار شد، عموماً رسانه ها تمایل دارند با شما شرایط ایشان مصاحبه نمایند.

عکس العمل شما در برابر تماس رسانه ها چیست؟

- الف) با توجه به اینکه در صورت مصاحبه امکان دستگیری خودم نیز وجود دارد، با رسانه های غیردولتی مصاحبه نخواهم کرد.
- ب) با توجه به اینکه ممکن است رسانه ای کردن مطلب شرایط را برای فرد بازداشتی دشوارتر کند، مصاحبه نخواهم کرد.
- ج) با توجه به اینکه مامورین اطلاعات و مراجع قضایی تاکید کردند که مطلب را رسانه ای نکنید، مصاحبه نخواهم کرد.

الف) بنده در رشته (مثلا حقوق) تحصیل می‌کنم.

ب) از آنجا که بنده از مدرکم در مراجع دولتی استفاده نمی‌کنم، مهم نیست که وزارت علوم مدرک مرا نپذیرد.  
ج) وظیفه دولت تسهیل امکان تحصیلات عالیه برای همه مردم است، با این حال بنده به خاطر عقیده ام از تحصیلات عالیه محروم شده‌ام. که این محرومیت خود غیر قانونی است و در هیچ کجای قانون اساسی تحصیل علم جرم نیست.  
د) بنده یک دانشجوی محروم از تحصیلات عالیه هستم و عضو هیچ گروه مخالف نظام جمهوری اسلامی نیستم.

۳۰. بازجو به شما می‌گوید که شما بهایان با کارهای عام المنفعه قصد دارید، خود را خوب نشان دهید تا با زست حقوق بشری ترحم مسلمانان را برانگیزید و در لوای این فعالیتها آموزه های بهایی را به مسلمانان انتقال دهید و افکار این را فاسد کرده و ایشان را بهایی کنید. باید تعهد کنید که در زمینه فعالیتهای توسعه هیچ اقدامی نخواهید کرد:  
الف) بنده متعهد می‌شوم، که دیگر فعالیت نکنم.

ب) بنده جرمی مرتکب نشده‌ام تا بخوام به چیزی تعهد دهم.  
ج) شما هم می‌توانید با اقدامات عام المنفعه جوانان مسلمان و حتی بهایی را به سمت خود جذب کنید.  
د) برای احیای ایران نیاز است تا هر در زمینه توسعه اقدامات اقتصادی و اجتماعی تمام نهادها و گروه ها همگرا عمل کرده و در نهایت اتحاد به آبادانی کشورمان کمک کنیم.

۳۱. اگر بازجو شاکی خصوصیتان را با شما رو به رو کند، و یا دوستی را در جلسه بازجویی در برابر شما بنشانند که علیه شما مطالبی را عنوان می‌کند، چه خواهید کرد؟

الف) اگر مطالب شاکی خصوصی صحت داشته باشد، می‌پذیرم.

ب) همه موارد مطرح شده را تکذیب می‌کنم، زیرا می‌دانم شاکی تحت فشار از من شکایت کرده است.

ج) پاسخ به شاکی را به جلسه دادگاه موکول می‌کنم، زیرا جای شاکی خصوصی در دادگاه است نه جلسه بازجویی.

د) سعی می‌کنم با یادآوری مطالب به شاکی خصوصی ام به او حقیقت ماجرا را یادآور شوم.

۳۲. بازجو برگه ای را در برابر شما قرار می‌دهد تا به سوالاتش کتبا پاسخ دهید. در این برگه به چه نحوی پاسخ می‌دهید؟

الف) سعی می‌کنم سوال ها را کامل و شفاف پاسخ بگویم، شاید به مرور بازجو در اثر صداقت بنده تقلیب شود.

ب) تنها به سوالاتی که ارتباط شفاف با اتهام بنده می‌باشد و اتهام را به من القاء نمی‌کند، پاسخ می‌گویم.

ج) اگرخواهم به سوالی جواب بدهم، سعی می‌کنم بسیار کوتاه و مستند به قوانین باشد.

د) تا زمانی که با وکیل ملاقات نکنم، به هیچ سوالی پاسخ نخواهم داد و از حق السکوت خود استفاده خواهم کرد.

د) با توجه به قانون آزادی رسانه ها در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اینکه علیه حکومت چیزی نخواهم گفت و تنها به گزارش صادقانه شرایط بازداشت عضو خانواده ام خواهم پرداخت مصاحبه خواهم کرد.

س) اگر به خاطر مصاحبه بخواهند بازداشت کنند و نهایتاً حکمی شش ماه هم برایش ببرند، دیگر ترس از مصاحبه کردن خواهد ریخت و همه این ریسک را خواهند کرد که برای نجات عضو خانواده خود این هزینه را بپردازند. پس بازداشت کسی که مصاحبه می کند برای اطلاعات معقول نخواهد بود.

ن) با توجه به اینکه همه مسئولین حکومت با اقدامات مأمورین اطلاعات موافق نیستند و بسیاری از این اقدامات خودسرانه و از سر حب جاه و مقام، منافع مادی و بعضاً تعصبات مذهبی است، رسانه ای کردن کمک می کند تا مخالفین این اقدامات در درون ایران، بر عاملان این تخلفات اعمال فشار نمایند.

و) جهانی شدن شرایط دشوار بازداشت عضو خانواده ام موجب می شود که توجه فعالان حقوق بشر در سراسر دنیا به این مساله جلب شود، و با توجه به تمایل حکومت برای رعایت وجهه حقوق بشری خود در تزییقات تخفیف حاصل خواهد شد.

ه) مصاحبه برای فرد مصونیت می آورد، بسیار بعید است کسی که مصاحبه می کند بازداشت شود، زیرا غیرقانونی بودن فعالیت‌هایشان بیشتر نمود پیدا می کند.

ی) با توجه به اینکه به تمام مراجع قضایی مراجعه نمودم و هیچ پاسخی دریافت نکردم و شرایط عضو خانواده بنده نیز بسیار نگران کننده است حتی اگر بازداشت هم شوم سعی می کنم از آخرین ابزارم در نهایت صداقت و احترام به مسئولین استفاده کنم، شاید تخفیفی حاصل شود.

## بررسی و تأمل بر روی تست ها:

شاید یکی از مهمترین وظایف اداره اطلاعات کشف اطلاعات بر پایه واقعیات در جهت حفظ امنیت کشور است، اما در میان تمام پرونده های بررسی شده به غیر از یک مورد در یکی از شهرهای ایران در سایر موارد مامورین اطلاعات در تلاش برای پرونده سازی، اعتراف گیری و جرم تراشی برای بهاییان بودند، نه کشف حقیقت.

شاید آنچه در طی مراحل بازداشت بیش از دانش و اطلاعات ما نسبت حقوق شهروندی و حقوق متهمین اهمیت دارد، حفظ روحیه و نحوه برخورد با مسئولین قضایی و مامورین اطلاعات است. آگاهی ما از قوانین و حقوقمان به ما کمک می کند که مطمئن باشیم که جرمی مرتکب نشده ایم و با وجود القائات بازجوها، بی گناه هستیم. حفظ اعتماد به نفس، تسلط بر فکر و آرامش روح بسیار حائز اهمیت است. تلاوت دعا و مناجات در فضای تاریک و پر تشویش بازجویی ها و انفرادی بسیار تسلی بخش است. تجربه بسیاری این بوده که اگر جسم و تن در انفرادی زندانی است، روح در عوالم ملکوت فرصتی برای پرواز می یابد و اگر فکر از تشویش و نگرانی های رها شود، تمرکزش صد چندان می شود. حفظ سرود های حماسی و اشعار عرفانی نیز به اجتناب از تشویش کمک می کند.

از جمله مواردی که مسئولین اطلاعات در پرونده سازی برای بهاییان مورد سوء استفاده قرار می دهند، حسن نیت، صداقت و خلوص بهاییان است. در حالی که باید صادق باشیم، می توانیم زیرک و فطن هم باشیم. در عین اینکه راست می گوئیم، لازم نیست هر آنچه که می دانیم بر زبان بیاوریم. در این مجموعه خواهیم دید که چطور بازجویان اطلاعات از گفته های خود ما علیه ما استفاده می کنند و برایمان اتهام و جرم تراشی کرده، اقدام به پرونده سازی می کنند.

آنچه در ادامه می آید تنها مقدمه ای است، تا بتوان از آن برای برخورد صحیح و آگاهانه در شرایط دشوار بازداشت و بازجویی استفاده کرد. امید است در انتهای این مجموعه این تصویر ایجاد گردد که اگر چه ممکن است فضای بازجویی آکنده از توهین و تحقیر باشد، اما شما به عنوان متهم ابزارهای بسیار قدرتمندی دارید که می توانید در دفاع از خود از آن ها بهره مند شوید. اولین و مهمترین ابزار این است که شما مطمئن هستید که بیگناهد و تنها به صرف عقیده بازداشت شده اید، در حالی که تمام کارهایی که بازجو و سایر مسئولین اطلاعات می کنند، غیرقانونی است. درواقع برخلاف آنچه به نظر می رسد، این شما هستید که جلسه بازجویی را باید اداره و کنترل کنید، و بازجو ناچار است که خود را با شما تطبیق دهد. نحوه استفاده از این ابزار و سایر مهارتهای اطمینان بخش در ادامه این مجموعه بیان می گردد.

۱. در بسیاری از موارد وقتی فردی خود را به نام مامور اطلاعات معرفی می کند، بسیاری بر این باورند که رفتار قانونی این است که بلافاصله به ستاد خبری اطلاعات مراجعه شود.

منشور حقوق متهم:

هر متهمی حق دارد بداند که هیچ یک از ضابطین دادگستری بدون مجوز قضایی و بدون رعایت ترتیبات قانونی مجاز نیستند، وارد منزل او شده و آنجا را بازرسی و تفتیش نمایند.<sup>2</sup>

موادی از قانون مجازات اسلامی راجع به تقصیرات مقامات و مامورین دولتی :

ماده ۵۸۰

هر یک از مستخدمین و مأمورین قضایی یا غیرقضایی یا کسی که خدمت دولتی به او ارجاع شده باشد بدون ترتیب قانونی به منزل کسی بدون اجازه و رضای صاحب منزل داخل شود به حبس از یک ماه تا یک سال محکوم خواهد شد ... و چنان چه این عمل در شب واقع شود مرتکب یا آمر به حداکثر مجازات مقرر محکوم خواهد شد.<sup>3</sup>

در ارتباط با احضار تلفنی مطالب زیر حائز اهمیت است:

- بهاییان همواره مطیع قوانین حکومتی هستند، تا آنجا که با باورهای عمیق دینی ایشان در تضاد نباشد. به همین دلیل بهاییان از مامورین اطلاعات در خواست رفتار قانون مدار دارند. اگر قانونی است، که مامور اطلاعات برای احضار متهم بهایی از مراجع قضایی حکم بگیرد، این اقدام با باورهای فرد بهایی همخوانی دارد. به علاوه فرد بهایی هیچ جرمی مرتکب نشده است که از اینکه مامور اطلاعات از طرق قانونی اقدام نماید، نگران باشد. همینکه بازجو می گوید مجبور است از طرق قانونی اقدام کند، در بر دارنده این مطلب است که درخواست فعلی اش از متهم غیر قانونی است.

- عموماً مامورین اطلاعات به بهانه پرسیدن چند سوال کوچک فرد را به ستاد خبری احضار می کنند.

۲. اصل ۲۲ قانون اساسی ، ۵۸۰ قانون مجازات اسلامی ، مواد ۹۶ و ۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری  
۳. همچنین رک به مواد ۵۷۱ و ۵۷۵ قانون مجازات اسلامی.



مثال: بازجوی اطلاعات یکی از بهاییان را تلفنی احضار کرد. فرد بهایی نپذیرفت. بازجو گفت که نگران نباشد و اصلاً لازم نیست داخل ستاد خبری بیاید تا احتمال دستگیری وی وجود داشته باشد. تنها چند سوال دم در خواهد پرسید. با این حال وقتی فرد به ستاد خبری بدون حکم مراجعه نمود، بازجو به بهانه اینکه سرپا صحبت کردن آنهم دم در ستاد خبری مخالف آداب است، متهم را برای صرف چای دعوت به درون ستاد خبری کرد، پذیرفتن این دعوت از جانب فرد بهایی همان و دو هفته بازداشت، تشکیل پرونده و محکومیت در یک دادگاه نمایشی همان!

مثال: در چند مورد بازجوی اطلاعات برای احضار فرد، به شرافت اسلامی خود قسم خورد که وی را بازداشت نمی کند. فرد مراجعه نمود، اما این سوگند شکسته شد و فرد بهایی بازداشت شد.

مثال: در دو مورد بازجوی اطلاعات به فرد بهایی تلفنی گفت که شما بهاییان چرا اینقدر از ستاد خبری می ترسید. می خواهیم یک بحث دوستانه داشته باشیم. این صحبت دوستانه یکبار منتهی به درخواست جاسوسی از جامعه بهایی توسط فرد بهایی شد و در مورد دیگر منجر به بازداشت فرد و بازجویی ها غیر دوستانه گردید!

- مسلماً فرد بهای قصد دارد اثبات کند که به شرافت اسلامی بازجوی مسلمان از صمیم قلب احترام می گذارد و یا به گفته های وی به عنوان یک انسان اعتماد می کند. فرد بهایی همچنان که به شرافت اسلامی بازجو احترام می گذراند، می توانند درخواست قانونمداری از وی کنند. شرافت اسلامی و قانونمداری با هم هیچ تضادی ندارند

- در حیطه قانون لازم است که در وهله اول رفتارها قانونی باشد نه بر مبنای اعتماد و باورهای دینی. مسلماً ستاد خبری اطلاعات جای مناسبی برای مهمانی رفتن و گفتگوی دوستانه نیست. بازجوی اطلاعات در صورت تمایل می تواند طرق مشروع تری را برای دوستی با بهاییان انتخاب کند.

- چنانچه فرد متهم بدون حکم به ستاد خبری مراجعه نماید و نهایتاً بازداشت شود. خانواده اش برای پیگیری امور به مراجع قضایی مراجعه می کند، اما از آنجا که هیچ حکمی مبنی بر بازداشت وی از مرجع قضایی گرفته نشده است، هیچ پرونده ای نیز در سیستم قضایی برای فرد تشکیل نشده است و هیچ مرجعی پاسخگوی خانواده متهم نخواهد بود و در صورتی که هر اتفاقی برای متهم بیافتد، هیچ ارگانی مسئولیتش را نخواهد پذیرفت.

- به بیانی صریح بازداشت با احضاری تلفنی از مصادیق آدم ربایی و مستوجب مجازات است.

رفتن به ستاد خبری اطلاعات بدون احضاریه این ذهنیت را می تواند، ایجاد کند که مراجعه سایرین به اطلاعات نیز موجه است. در این صورت مأمورین اطلاعات با سوء استفاده از ناآگاهی افراد از حقوق خویش، با ایجاد فضای رعب و وحشت می توانند با دریافت اطلاعاتی ولو بسیار ساده بین متهم و دوستانش اختلاف ایجاد کند و افراد را نسبت به هم بی اعتماد سازد.

مثال: در یکی از شهرها که تعداد بهاییان کم است و از حقوق خود نیز مطلع نبودند، بازجوی اطلاعات بهاییان را احضار می کرد. ایشان نیز در نهایت صداقت هر آنچه می دانستند در پاسخ به سوالات بازجو می گفتند.

بازجو با انتقال دانسته های خود از یک بهایی به بهایی دیگر چنین وانمود می کرد که از همه اتفاقاتی که در جامعه در جریان است آگاه است.

- وقتی صحبت از اطلاعات می شود، با توجه به سوء رفتار این ارگان با بسیاری از بهاییان و سایر هموطنان نگرانی های زیادی نسبت به وضعیت کاری، همسر و فرزندان ممکن است در متهم ایجاد شود. اگر چه این نگرانی ها در جای خود حائز اهمیت است، اما باید بدانیم، متأسفانه بسیاری از اقدامات اطلاعات غیرقانونی است، به همین دلیل ترجیح می دهند بدون آنکه اثری از آن بخش از اقدامات غیرقانونی برجای گذاشته شود، این فعالیت ها ادامه یابد. از طرفی دست ماموران اطلاعات برای هر اقدامی نیز باز نیست و از انعکاس جهانی اقدامات غیر قانونی خود هراس دارند. بازجویی به یکی از بهاییان زندانی گفت: " که انعکاس جهانی خبرها مانند چماقی بر سر ماست!"

به علاوه بازجوی اطلاعات سالها آموزش دیده است تا نقطه ضعف متهم را پیدا کنند و از همان دریچه وارد شود. هنگامی که متهم در برابر اولین تهدید، با ایشان همراهی می کند. بازجوی اطلاعات مطمئن خواهد شد که در برابر تهدید های بزرگ تر امتیازهای بیشتری از متهم خواهد گرفت و قدمی ها بعدی را پیش خواهد گذاشت. بنابراین برخورد محترمانه و قاطع متهم موجب خواهد شد که بزرگترین نقطه ضعف و اهرم فشار بر روی متهم را بی فایده به شمار آورند.

- بازجو از لحاظ مراتب قانونی در سیستم اطلاعاتی یکی از پایین ترین رتبه ها را دارد. با این حال گاهی به گونه ای نشان می دهد که قدرت مطلق است و اصلاً خود او قانون اوست. به علاوه در طی سال های اخیر قوه قضائیه در بسیاری از موارد در برابر خواسته های غیرقانونی برخی مامورین اطلاعات بسیار منعطف رفتار کرده است. با اینحال تجربه در برخی شهرها که بهاییان هم در برابر مراجع قضایی و هم اطلاعاتی قاطعانه و محترمانه برخورد کرده اند، نشان داده است که مسئولین قضایی نسبت به اقدامات بعدی که در آن شهر انجام می دهند، بسیار با احتیاط بیشتری سعی در رعایت چهارچوب های قانون می کنند.

- مثال: در یکی از شهرهای ایران دادستان تحت فشار بازجوی اطلاعات شهر، برخلاف میلش حکم بازداشت بهاییان را امضاء می کرد. وی به یکی از بهاییان شهر گفت که اگر من آنچه شما می خواهید انجام دهم، دیگر نمی توانم در این جایگاه بمانم. فرد بهایی به دادستان گفت که نگران نباشد، تقصیر وی نیست و عذاب وجدانی نداشته باشد. با این حال وقتی در یکی از پرونده ها رفتار غیر قانونی بازجو بازتاب جهانی پیدا کرد و دادستان از مراجع قضایی مافوقش به شدت تحت فشار قرار گرفت، توان این را یافت که در برابر خواسته های غیرقانونی بازجو - باز هم برای حفظ مقامش - مقاومت کند.

در زیر مواردی در ارتباط با برگه احضاریه، تفتیش منزل یا بازداشت تیروار ذکر می شود:

- حکم احضار، بازداشت، تفتیش منزل باید توسط دادستان یا معاونش در مراجع قضایی صادر شود.
- حکم مذکور باید سربرگ قوه قضائیه داشته باشد و تایپ شده باشد.
- باید مهر و امضاء مرجع قضایی در زیرش آمده باشد.
- هر حکم تنها می تواند مربوط به یک نفر باشد و نمی توان چند نفر را با یک حکم بازداشت رد. نام متهم باید در حکم قید شده باشد.
- در حکم باید اتهام متهم بیان گردیده شده باشد.
- مسئولین اطلاعات موظف هستند که حکم را به متهم بدهند. متهم می تواند بر حق خود مبنی بر خواندن حکم اصرار کند.

قانون مجازات اسلامی راجع به تقصیرات مقامات و مامورین دولتی :

ماده ۵۸۳

هر کس از مقامات یا مأمورین دولتی یا نیروهای مسلح یا غیر آنها بدون حکمی از مقامات صلاحیت دار در غیر مواردی که در قانون جلب یا توقیف اشخاص را تجویز نموده، شخصی را توقیف یا حبس کند یا عنفاً در محلی مخفی نماید به یک تا سه سال حبس محکوم خواهد شد.

۲. عموماً مامورین اطلاعات در جریان دقیق فعالیت های متهم نیستند. زیرا نیاز نیست با صرف هزینه های زیاد از طریق مخبر و یا شنود در پی کشف اتهام برای وی باشد. وقتی بازجو می تواند با چند سوال ساده از فرد متهم که از حقوق خود آگاه نیست، و ضمیمه نمودن چند پیام بیت العدل به برگه های بازجویی یکسال حبس تعزیری برای متهمین بگیرد، دیگر چه نیازی است که منافع مالی که از بازداشت بهاییان نصیبش می شود را صرف استخدام مخبر نماید؟ اگر چه متهم همواره باید مراقب مکالمات تلفنی خود باشد، اما باید در نهایت اطمینان بداند که بازجو بسیار کمتر از آنچه دعوی اش را دارد از متهم می داند. به علاوه باید مطمئن باشد که هیچ یک از فعالیت های بهاییان در زمینه رشد و توسعه از مصادیق تبلیغ علیه نظام و یا اقدام علیه امنیت ملی نیست، با این حال بازجویان اطلاعات می توانند از اطلاعات ساده ای که متهمین در خلال حرفها در اختیارشان قرار می دهند، سوء استفاده کرده و برایشان پرونده سازی کنند. هر فرد بهایی که احتمال می دهد منزلش مورد تفتیش مامورین اطلاعات قرار گیرد، توصیه نشان می دهد:

- از هر کتاب امری و یا روحی در خانه تنها به اندازه نیاز افراد خانواده نگهداری کند، نه بیشتر.
- خانه را خالی از کتب بهایی و شمایل طلعات مقدسه بهایی نکند، باید فضای خانه طبیعی و سرشار از روح بهایی باشد.
- اگر نسخه هایی از پیام بیت العدل اعظم الهی در خانه وجود دارد، بهتر است پیش از آن نحوه پاسخگویی به سوالات بازجو را در مورد آنها بداند.

- لزومی ندارد در کتابهای روحی نام اعضای شرکت کننده در حلقه های مطالعه نوشته شود.
- سعی کند برای ثبت فعالیت ها و قرارهای ملاقات خود در دفترچه یادداشت از کد یا رمز استفاده کند، تا موجب دردسر سایر دوستانش بی جهت نشود.
- حافظه جستجوگر وب کامپیوتر خود را طوری تنظیم نماید، که نامهای کاربری، پسوندها، صفحاتی که از آنها دیدن کرده است به طور خودکار پاک شود.
- اطلاعات مربوط به فعالیتهای خود را بر روی یک حافظه خارجی ذخیره نماید و آن را درمکانی امن نگه داری کند.
- نصب آیفون تصویری به متهم کمک می کند تا با مشاهده چهره افراد تصمیم بگیرد که در را به رویشان باز کند یا خیر؟

#### قانون اساسی: اصل ۲۲

حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند.

#### قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی:

بند ۸: بازرسی‌ها و معاینات محلی جهت دستگیری متهمان فراری یا کشف آلات و ادوات جرم بر اساس مقررات قانونی و بدون مزاحمت و در کمال احتیاط انجام شود و از تعرض نسبت به اسناد و مدارک و اشیایی که ارتباطی به جرم نداشته و یا به متهم تعلق ندارد و افشای مضمون نامه‌ها و نوشته‌ها و عکس‌های فامیلی و فیلم‌های خانوادگی و ضبط بی‌مورد آن‌ها خودداری گردد.

بند ۱۴: از دخل و تصرف ناروا در اموال و اشیاء ضبطی و توقیفی متهمان، اجتناب نموده و در اولین فرصت ممکن یا ضمن صدور حکم یا قرار در محاکم و دادسراها نسبت به اموال و اشیاء تعیین تکلیف گردد و مادام که نسبت به آن‌ها اتخاذ تصمیم قضایی نگردیده است در حفظ و مراقبت از آنها اهتمام لازم معمول گردیده و در هیچ موردی نباید از آن‌ها استفاده شخصی و اداری به عمل آید.

۳. مامورین اطلاعات حق استفاده از خشونت و هتک حرمت در ابلاغ حکم، احضار یا تفتیش و حتی جلب متهم را ندارند. اصل بر برائت متهم است:

بنا به اصل ۳۵ قانون اساسی اصل بر براءت است و متهم تا زمانی که اتهامات اثبات نشود بی گناه است و بنا به اصل ۳۸ قانون اساسی هتک حرمت متهم مستوجب مجازات می باشد.

- مامورین اطلاعات حتی اجازه هتک حرمت به محکومین را ندارد، چه برسد به متهمی که جرمش اثبات نشده است. آگاهی متهم از حقوق خود و تاکید این حقوق به مامورین تاثیر به سزایی در نحوه رفتار ایشان با وی دارد.
- اگر متهم متوجه حضور مامورین در منزل شد این فرصت را دارد که درخواست کند، که برای پوشیدن لباس مناسب چند لحظه صبر کنند. به تهدیدهای مامورین از پشت در بهتر است توجهی نشود.
- اگر مامورین اطلاعات گفتند برای بازداشت یا احضار فرزند یا همسر متهم آمده اند، در صورتی که در منزل نبود می توان در را باز نکرد و درخواست نمود زمانی بیایند که فرد مذکور در خانه باشد.
- مامورین اطلاعات موظفند حکم را پیش از ورود منزل در اختیار متهم قرار دهند. مشخصات حکم در سوال قبل ذکر گردید.
- باید آرامش خود را در برابر فحاشی ها ماموران اطلاعات حفظ کرد و تحت تاثیر فضای رعب قرار نگرفت.

۴. از شگردهای مامورین اطلاعات سوء استفاده از آبروخواهی افراد است. هنوز برخی مامورین اطلاعات گمان می کنند که بهایبان از اینکه همسایه ها متوجه حضور مسئولین اطلاعات شوند، هراس دارند. به همین دلیل تهدید می کنند که اگر همکاری نکنید حضور خود را به همسایه های متهم اطلاع می دهیم.

مثال: در جواب چنین مطالبی بارها گفته های مشابهی مانند جمله زیر عنوان شده است که: "همه همسایه های من می دانند که بهایی هستیم و به خاطر عقیده ام سال هاست از تزیینات و محرومیت رنج می برم و با بنده همدردی می کنند. اگر موافقید بنده خود نیز حضور شما را به ایشان بگویم."

۵. به سوال یک گزینه "د" مراجعه شود.

۶. برخلاف گمان بسیاری که فکر می کنند، اکثر بازداشت ها در ارتباط با فعالیت های موسسه رشد می باشد، باید تاکید کرد که تعداد محدودی از پرونده ها ارتباط مستقیمی با فعالیت های رشد داشته اند. زیرا اتهام تبلیغ علیه نظام را به طرق گوناگون به کمک اعترافاتی که فرد در مورد "ضیافت"، "بیت العدل اعظم"، "عضویت در هیات های گوناگون پیش از تعطیلی تشکیلات"، "جزوات و پیام های بیت العدل که در تفتیش منزل یافت می شود، می توان به راحتی مطرح نمود. در ادامه تمام موارد فوق بررسی می شود و در عمل می توانید مشاهده کنید که همه بهایبان صرف نظر از فعالیت هایشان در رشد در مظان اتهام تبلیغ علیه نظام می توانند به راحتی قرار بگیرند. و بازجو هیچ نیازی ندارد تا هزینه اضافه ای صرف کشف فعالیت های تبلیغی بهایبان نماید. در ارتباط با تفتیش منزل:

- مامورین اطلاعات در صورتی که حکم تفتیش منزل را داشته باشند تنها اجازه دارند، که وسایل متهم را جستجو کنند.
- در صورتی که وسایل سایر افراد منزل از قبیل کامپیوتر را با خود بردند، باید متذکر شد. در اینصورت می توان لیستی از وسایلی که ثبت و ضبط شده را امضاء نکرد.
- مامورین اطلاعات موظفند که یک نسخه از لیست وسایلی که با خود می برند، نزد متهم بگذارند. در غیر اینصورت نسخه ای که تنها دست خودشان است، هیچ کمکی به متهم نمی کند. در اینصورت می توانید این یک نسخه را امضاء نکنید.

۷. اگر متهم به طور کتبی به ستاد خبری احضار و یا حکم بازداشت متهم صادر شود. در قوه قضاییه پرونده ای به نام متهم تشکیل شده است. در این ارتباط نکات زیر حائز اهمیت است:

- دادستان یا بازپرس زمانی می تواند حکم بازداشت متهم را صادر نماید، که اسناد، مدارک و شواهد موجود حداقل سی درصد ارتکاب جرم توسط متهم را تایید کند. در حالی که عموماً مامورین اطلاعات متهم را بازداشت می کنند، سپس اقدام به پرونده سازی از میان گفته هایش می نمایند.
- برای بازجو بسیار خوب خواهد بود که بی هیچ زحمتی، متهم خود به جرمی که او می خواهد برایش بتراشد، اعتراف کند. به همین دلیل قبل از تفهیم اتهام توسط بازپرس سعی می کند، از متهم اعتراف بگیرد.
- وظیفه تفهیم اتهام بر عهده بازپرس است نه بازجو. طبق اصل ۳۲ قانون اساسی در ظرف کمتر ۲۴ ساعت متهم باید نزد مراجع قضایی صالح تفهیم اتهام شود. تا زمانی که نزد بازپرس یا دادستان تفهیم اتهام صورت نگرفت، هر پاسخی که به بازجو داده شود، بگونه ای تبدیل به یک اتهام برای متهم در جلسه تفهیم اتهام نزد بازپرس یا دادستان می گردد.

مثال: یکی از بهایبان وقتی به ستاد خبری مراجعه نمود، پیش از تفهیم اتهام به هیچ سوال بازجو جوابی نداد، اما سعی کرد با استناد به آیات قرآنی بیگناهی خویش و حقانیت دیانت بهایی را اثبات نماید و هیچ مطلب دیگری نیز نگفت. یکی از اتهاماتی که بازپرس برای ایشان مطرح کرد این بود: " تسلط بر قرآن و استفاده از آن علیه اسلام."

#### قانون اساسی: اصل ۳۲

هیچ کس را نمی توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محاکمه، در اسرع وقت فراهم گردد. مختلف از این اصل طبق قانون مجازات می شود.

رعایت موازین شرعی در تحقیق از متهمان زن ضروری است.

- متهم حق دارد خودش پاسخ پرسش ها را بنویسد .

- سکوت و عدم پاسخ به پرسش های بازجویان یا مقام قضایی حق متهم است. - داشتن وکیل و دسترسی به وکیل به انتخاب متهم از حقوق اولیه اوست.

- کلیه تصمیمات به ویژه قرارها باید به متهم ابلاغ و تفهیم شود.

- اگر تصمیم مقام قضایی قابل اعتراض است، این موضوع باید به متهم تفهیم شود.

- خانواده متهم باید از سرنوشت او مطلع شود.

۹. مانند سوال قبل است. متهم ابتدا باید ظرف کمتر از بیست و چهار ساعت نزد یک مرجع صالح قضایی تفهیم اتهام شود.

• اگر در طی این مدت متهم تفهیم اتهام نشد، باز هم بازجو نمی تواند متهم را مجبور به پاسخگویی به سوالات نماید.

• یکی از تلاش های جامعه بهایی در حال حاضر تلاش برای احقاق حقوق شهروندی برای خود و همه هموطنانمان است. در عین حال که نباید بی احترامی به بازجو شود، در عین حال هم نباید اجازه داده شود که وی نیز رفتاری خلاف قانون داشته باشد و هر چه می خواهد بگوید.

• در صورتی که به متهم بی احترامی شد، می تواند با استفاده از حقوق متهمین از خود دفاع نماید. هر گونه هتک حرمت مستوجب مجازات است و متهم در همان زمان می تواند دربرگه بازجویی بنویسد :

" بنده تحت شکنجه روحی توسط بازجو هستم و شرایط پاسخ به بازجویی قرار ندارم و طبق اصل ۳۹ بنده پاسخگو به هیچ سوالی نخواهم بود."

• پاسخ های قاطعانه، در عین حال محترمانه و مستند به قوانین باید به بازجو داده شود، اما از مجادله با بازجو باید پرهیز کرد. هر چه زمان بازجویی طولانی تر شود، به نفع بازجو خواهد بود. او به منافع مالی خود می رسد و متهم نیز بیش از پیش خسته می شود. به علاوه بازجوها عموماً از تعادل رفتاری برخوردار نیستند و نمی توان عکس العمل ها آن ها را پیش بینی نمود.

**منشور حقوق متهم:**

متهم حق دارد اوراق صورت مجلس تحقیقات خود را بخواند و اگر پاسخ های او با تغییر و تحریف در آن قید شده از امضای آن خودداری کند. همچنین متهم می تواند در صورت تمایل پاسخ پرسش ها را شخصاً بنویسد.<sup>5</sup>

۱۰. همانطور که پیشتر ذکر شد، تفهیم اتهام توسط مرجع قضایی مانند بازپرس و بعضاً دادستان صورت می گیرد. متأسفانه طی یکی دو سال اخیر اکثر مراجع قضایی هر طور که مسئولین اطلاعات بخواهند، عمل می کنند. با اینحال هنوز مراجعی در دوائر قضایی هستند که دادخواه متهمین و خانواده هایشان می باشند. برخی نیز اگر چه در ظاهر مجبورند، دستورات اطلاعات را اجرا کنند، اما در خفا سعی می کنند، که از افزایش مشکلات بهایبان بکاهند. مثال: در یکی از شهرهای ایران طی دو سال اخیر یک نفر از مراجع قضایی به خاطر حمایت از بهایبان از کار برکنار و دیگری به شهری دیگر منتقل شد. مثال: در یکی از شهرهای ایران یک دادستان اگر چه حکم بازداشت و یا احضار بهایبان را امضاء می کرد، با اینحال به دوستان بهایی خود نیز پیشاپیش اطلاع می داد که قرار است فلان شخص دستگیر شود. مثال: در یکی از شهرهای ایران دادستان اگر چه با خانواده متهم در حضور ماموران اطلاعات بسیار بد برخورد کرد و بی جهت ایشان را بیرون کرد، اما وقتی به بیگناهی متهم بهایی و خبث نیت بازجوی شهر پی برد، از میان ده ها صفحه برگه بازجویی که متهم بهایی به خاطر ناآگاهی از حقوق خود نوشته بود، تنها چند صفحه آن را در پرونده اش گذاشت و به قاضی تحویل داد.

- ترس از پست و مقام مانع از این می شود که مسئولین قضایی بتوانند صراحتاً به نفع بهایبان اقدامی کنند.
  - گاهی نیز مراجع قضایی توسط مسئولین اطلاعات تطمیع می شوند و چشم خویش را بر عدالت می بندند.
  - گاه ناآگاهی از حقیقت آیین بهایی و یا تعصبات دینی مانع از این می شود که مراجع قضایی رفتار عادلانه ای داشته باشند.
  - در مواردی نیز تحت هر شرایطی مراجع قضایی حاضر نشده اند، که جز در مسیر عدالت قدمی بردارند.
- گاهی اوقات نفوذ مسئولین اطلاعات در سیستم قضایی بسیار گسترده است و گاه ناچیز. اما هر چه اقدامات سیستماتیک برای مقابله با بهایبان در شهر بیشتر باشد، مطمئناً مسئولین قضایی بیشتر تحت فشار توسط مامورین اطلاعات هستند.

وظایف بازپرس در جلسه تفهیم اتهام:

- بازپرس بر اساس مدارکی که اطلاعات در اختیارش قرار میدهد، و همچنین اظهارات متهم در جلسه تفهیم اتهام، برگه تفهیم اتهام متهم را تنظیم می کند. بنابراین اظهارات متهم نزد ایشان بسیار حائز اهمیت است.

<sup>5</sup>. ماده ۱۳۱ قانون آیین دادرسی کیفری، بند ۱۲ ماده واحده قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی



- بازپرس اتهام متهم را تعیین می کند. این اتهام عموماً "تبلیغ علیه نظام"، "اقدام علیه امنیت ملی"، "عضویت در گروه های برانداز نظام" می باشد. با توجه به اینکه متهم بهایی مرتکب هیچ یک از جرایم فوق نشده است، بلکه خیرخواه ملت و دولت می باشد، کاملاً حقوقی است که به این اتهامات اعتراض کند و اکیداً همه را تکذیب نماید.

- بازپرس موظف است که قراری برای متهم معین نماید. بدترین قرار بازداشت موقت است. قانون: قرار بازداشت موقت حداکثر برابر است با حداقل دوران محکومیت در صورت اثبات اتهام. مثال: یکی از متهمین بهایی به خاطر اتهام تبلیغ علیه نظام شش ماه در انفرادی بازداشت بود. گاهی اوقات مامورین اطلاعات از وی می خواستند که متونی را تایپ کند و بعد دوباره به انفرادی می رفت. این تجربه تلخ تاثیر پیگیری خانواده و کیل از بیرون، همچنین اعتراض متهم به قرار بازداشتش از دورن بازداشتگاه را به بهاییان شهر مذکور تایید کرد.

در هنگام امضای برگه تفهیم اتهام، متهم به قرار بازداشت موقت بر اساس ماده ۳۵ و ۳۷ قانون مجازات اسلامی می توانید اعتراض کنید. زیرا شرایط بازداشت موقت در مورد متهم مصداق ندارد. سایر قرارها وثیقه و کفالت می باشد.

- متهم به اتهام، قرار بازداشت، وثیقه و کفالت خود می تواند اعتراض کند، زیرا جرمی مرتکب نشده است و مطمئن می باشد که بیگناه است. همچنین اتهامش شامل موارد بازداشت موقت نمی شود. در انتها پس از نوشتن اعتراض و تکذیب هرگونه اتهامی درخواست آزادی هر چه سریعتر خود را نماید.
- زیر هر چه می نویسید خط بکشید و انگشت بزنید و امضاء نمایید.
- متنی که بازپرس به جهت تفهیم اتهام متهم می نویسند را با دقت بخوانید تا مطلبی خلاف آنچه بیان شده است، در آن ذکر نگردد و از تک تک اتهامات خود مطلع شوید. (در سوالات بخش بازجویی به این مطلب خواهیم پرداخت که در ارتباط با هر اتهام چه پاسخهایی می توان ارائه داد).

#### ۱۱. شرایط بازداشتگاه اطلاعات برخلاف آنچه تصور می کنیم خیلی هم بد نیست:

- غذای متهم همان غذایی است که بازجویان اطلاعات برای خود سفارش می دهند.
- بازداشتگاه اطلاعات دوش آب، دستشویی، تخت به همراه چند پتو و در تمام فصول سیستم تهویه مطبوع دارد.
- مسواک، خمیردندان و صابون در اختیارتان قرار می گیرد.
- زندانبانها معمولاً انسان های محترمی هستند، و اگر توسط بازجویان تحت فشار نباشند، سعی می کنند پاسخگوی متهم باشند.

مثال: یکی از متهمین بهایی تعریف می کرد که درایام بازداشت گاهی دلم می گرفت، دلتنگ می شدم. از شرایط موجود و بی عدالتی ها غمگین می گشتم. در این شرایط به سیاه چال طهران فکر می کردم. در آنجا زنجیر قره کهر

بود و فاضلاب اینجا شرایط بهداشتی کاملا مهیا است. آنجا گاهی روزها غذا نمی خوردند و همان قدر سهمشان را نیز به دیگران می دادند. یک روز که داشتم به اینها فکر می کردم، برایم غذا آوردند: پلو و ماهی. رویم نمی شد که بخورم! گفتم یا جمال مبارک، متهم چگونه در نهایت رضا برای وحدت عالم انسانی تحمل حبس نمودید و حال من ناشکر از چه شرایطی هستم؟

با این حال متهم باید سعی کند، نقطه ضعفی به بازجو نشان ندهد:

- ایشان به خوبی آموخته اند تا چگونه از وابستگی های عاطفی میان والدین و فرزندان، زن و شوهر و ... سوء استفاده کنند. به خوبی میدانند که چگونه می توانند متهم را از موقعیت کاریش بترسانند و یا از ترس از تاریکی، تنهایی، حشرات و حیوانات سوء استفاده کنند.
  - استفاده از ضعف همواره به شکل ترساندن نیست. گاهی متهم را نسبت به یک موقعیت تحصیلی خیلی خوب تطمیع می کنند. وعده شغل خوب و ثروت زیاد به متهم می دهند. در این مرحله فرد امتحانات بسیار دشواری می گردد.
  - متهم باید پیش از بازداشت هدف خود را از فعالیت های خود تعیین نماید. بداند چرا چنین اعتقاداتی را برگزیده است. اگر این کار را قبل از بازداشت نکرد، سعی کند پاسخ هایی روشن و قاطع برای خود در ایام انفرادی پیدا کند. زیرا در ادامه اگر نداند چه هدفی از فعالیت و باورهایش دارد، به شدت در اثر القائات بازجویان دچار بحران هویت می شود. هر زندانی روزی تمام می شود، اما زندان بحران هویت تاریک ترین و مخوف ترین زندانی است که یک زندانی یا متهم می تواند دچارش شود و تا پایان عمر محبوس بماند.
- مثال: گزینه "د" پاسخ یکی از متهمین بهایی به یکی از باسابقه ترین بازجویان بوده است. بی تفاوتی متهم بهایی باعث شد، که سوال بازجو در حد یک تهدید باقی بماند و شرایط بازداشت ایشان تغییر نکند.

۱۲. در ایام انفرادی زمان گاه خیلی کند می گذرد. در تنهایی، استرس، بدگمانی و ... ممکن است افزایش یابد. به همین میزان نیز می تواند دوره ای برای سازندگی درونی و تزکیه روحانی قلمداد شود. متهم باید خود را برای این شرایط نیز پیش از ایام بازداشت آماده کند. تمام گزینه ها فعالیت هایی است که متهمین بهایی در ایام بازداشت برای پر کردن زمان از آن استفاده کرده اند. هر کس باید به دنبال پاسخ شخصی اش باشد. با این حال نباید بگذارد که ارتباطش با عالم واقعیت قطع شود. باید سعی کند همواره تحرک داشته باشد. حساب روزها را از دست ندهد و با سلول های مجاور ارتباط داشته باشد. محفوظات متهم بزرگترین گنجینه متهم در ایام بازداشت انفرادی به شمار خواهد رفت.

مثال: یکی از متهمین بهایی تعریف می کرد: " شرایط من در بازداشت انفرادی مانند کسی بود که در شبی ماهتابی دل به جنگلی انبوه بزند. تا زمانی که چشمانش را به ماه دوخته و متوجه به روشنایی و زیبایی آن است، به هیچ وجه گمان نمی کند که در جنگل گم شده است و در نهایت سرور به راه خود ادامه می دهد. اما وقتی که به اطراف و تاریکی جنگل خیره شود، راه هزار بار رفته را نیز گم خواهد کرد. ما نیز در شرایط بازداشت انفرادی تا زمانیکه که به آرمانهای متعالی و وحدت بخش فکر کنیم، تا زمانی که به حق توکل نماییم و خود را چون کاهی در نسیم عنایتش رها کنیم، بی هیچ

ترسی به پیش می‌رویم، اما آنزمان که به خود آییم، تهدیدهای بازجو، شرایط شرایط انفرادی هراسی بی‌پایان در ما ایجاد خواهد کرد و تشویشی بی‌منتها ذهنمان را فرا خواهد گرفت.

۱۳. زندان محل نگهداری کسانی است که محکوم به ارتکاب جرمی شده‌اند نه متهمین. با این حال در برخی از شهرها به دلیل اینکه اطلاعات بازداشتگاه ندارد، فرد را به زندان و یا اگر بخواهند فرد را تحت فشار قرار دهند وی را در قرنطینه نگهداری می‌کنند و دلیل چنین شرایطی را فقدان بازداشتگاه معرفی می‌کنند. در ادامه از متهم بهایی می‌خواهند با شرایط کنار بیاید و به سوالات پاسخ گوید.

مثال: یکی از متهمین بهایی که در شرایط بسیار دشوار قرنطینه بود، در اعتراض به شرایط بازداشتش و علت عدم پاسخگویی اش به سوالات بازجو در برگه بازجویی چنین نوشت:

" با توجه به اینکه شرایط قانونی بازداشت بنده رعایت نشده است و بنده در قرنطینه بازداشت هستم. به همین دلیل تا تغییر شرایط بازداشت بنده به هیچ سوال بازجویی پاسخ نمی‌دهم."

۱۴. منع شکنجه و هتک حرمت:

• یکی از حربه‌های بازجوی اطلاعات این است که با تهدید به شکنجه، بازداشت طولانی مدت، صدور حکم‌های سنگین مانند اعدام و یا حبس ابد... متهم را مجبور به پاسخگویی به سوالات نماید. تمام موارد فوق از مصادیق شکنجه روحی می‌باشد و بنا به اصل ۳۸ قانون اساسی بازجو مستوجب مجازات است.

قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی

۹- هرگونه شکنجه متهم به منظور اخذ اقرار و یا اجبار او به امور دیگر ممنوع بوده و اقرارهای اخذ شده بدین‌وسیله حجیت شرعی و قانونی نخواهد داشت.

قانون اساسی: اصل ۳۸ - منع شکنجه

هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند، مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.

قانون اساسی: اصل ۳۹

هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده، به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است.

• یکی از روش های مقابله با این رویکرد بازجو این است که در برگه بازجویی بنویسد: "بنده تحت شکنجه روحی هستم." از آنجا که گرفتن اعتراف با شکنجه هیچ ارزش حقوقی ندارد، به احتمال زیاد بازجو برگه متهم را پاره خواهد کرد.

مثال: در مواردی بازجو شروع به فحاشی به مقدسات و اعضای خانواده وی در این شرایط کرده است. با این حال رفتار قاطع متهم در برابر شکنجه روحی باعث این شد که بازجو رویه خود را تغییر دهد. گاهی فورا این اتفاق افتاده است و گاهی نیز فرد را به انفرادی برده اند و در بازجویی بعدی با لحنی ملایم با وی برخورد کرده اند.

• اگر بازجو احساس کند، متهم ترسیده است فضای رعب و وحشت را افزایش خواهد داد. به همین دلیل متهم باید بداند که استقامتش شرایط بازجویی را می تواند تغییر دهد. آنچه پیروز میدان بازجویی را مشخص می کند، نوشته های متهم در برگه بازجویی است، نه تعداد روزهای انفرادی و یا فریادهای بازجو.

• هر چه بازجو بیشتر فریاد بکشد، باید دانست که بازجویی به نفع متهمست. در آن لحظه متهم است که با استقامت خود روند بازجویی را تعیین می کنید نه بازجو. متهم درمسند قدرت نشسته است، زیرا چیزی نمی نویسید، نه بازجویی که از سرناچاری فریاد می کشد!

• تا کنون تلاش های زیادی صورت گرفته است که از طریق ملایمت، رفتار بازجو تقلیب شود. اما بازجو که خود را در جایگاه قدرت می بیند، عموماً این رفتار را ناشی از ترس می بیند و یا به عنوان مظلوم نمایی تلقی می کند. گر چه تمام این رفتارها ناشی از ضعف شخصیتی و شکاف های روانی موجود در اوست. مثال: یکی از بازجویان اصلاحش این است: "هر آنچه به من می گویی از این گوش وارد می شود و از گوش دیگر خارج. سعی نکن مرا تغییر دهی. هر چه بیشتر حرف بزنی و مرا نصیحت کنی زمان به نفع من می گذرد و من اضافه حقوق می گیرم."

۱۵. از جمله ابزارهای قدرتمند متهم در ایام بازداشت و انفرادی رفتارهای غیرقانونی بازجو هاست که زمان را به نفع متهم می گذرانند. متهم به طرق گوناگون می تواند از نقض حقوق متهمین در بازجویی ها استفاده کنید از جمله در برگه بازجویی بنویسد:

- تا زمانی که اجازه تماس تلفنی با خانواده نداشته باشم، به هیچ سوالی پاسخ نخواهم داد.
- تا زمانی که با چشم بند بازجویی شوم به هیچ سوالی پاسخ نخواهم داد.
- تا زمانی که مرا رو به دیوار بازجویی می کنید، به هیچ سوالی پاسخ نخواهم داد.

- تازماتی که با فریادها مرا شکنجه روحی می کنید، پا بند به پاهایم بسته است، مرا در قرنطینه نگهداری می کنید، اجازه هواخوری به من نمی دهید و ده ها مورد دیگر که می توان از آن ها استفاده کرد، به بازجویی پاسخ نخواهم داد.

#### منشور حقوق متهم:

هر متهمی حق دارد از مأموران بازجو بخواهد در اولین فرصت به خانواده وی اطلاع دهند تا از سرنوشت او مطلع شوند و در صورت لزوم برای آزادی او وثیقه یا کفیل آماده کنند.<sup>۶</sup>

#### قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی:

۶- در جریان دستگیری و بازجویی یا استطلاع و تحقیق، از ایدای افراد نظیر بستن چشم و سایر اعضا، تحقیر و استخفاف به آنان، اجتناب گردد.

۷- بازجویان و مأموران تحقیق از پوشاندن صورت و یا نشستن پشت سر متهم یا بردن آنان به اماکن نامعلوم و کلاً اقدام های خلاف قانون خودداری ورزند.

اگر متهم از حقوق خود مطلع باشد، درمی یابد که تمام رفتارهای غیرقانونی بازجو به نفع متهم است.

۱۶. وقتی تصویر کسی را به متهم نشان می دهند، به چند نکته باید توجه کرد:

- صداء عکس و فیلم هیچ ارزش حقوقی ندارند، زیرا به راحتی می توان منتاژشان کرد.
- متهم باید تنها به سوالاتی که ارتباط شفاف با اتهامش دارد، پاسخ گوید.
- متهم تنها باید به سوالات مربوط به اتهامش پاسخ گوید و به سوالاتی که به افراد دیگر مربوط می شود، لزومی ندارد جواب دهد. بازجو می تواند فرد مذکور را احضار کند و سوالاتش را از خود او بپرسد.
- بازجو حق ندارد در ارتباط با مسائل شخصی و خصوصی، مثل: ادرس ایمیل، میزان درآمد، عکس های خانوادگی - مخصوصاً در مورد پوشش - ، متهمره تلفن و آدرس اقوام چه در داخل و چه در خارج از ایران، مسائل کاری و غیره متهم سوال نماید.

مثال: در بازجویی ها بارها سوالات مکرری در ارتباط با موارد فوق مطرح شده است. پاسخ بسیاری از متهمین به این سوالات چنین بوده است: " بنده تنها به سوالات مربوط به خودم پاسخ می دهم. " ، " این سوال جنبه شخصی و خصوصی دارد، از پاسخ به آن معذورم."

<sup>۶</sup> بند ۵ ماده واحده قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی.

## قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی:

۱۰- تحقیقات و بازجویی‌ها باید مبتنی بر اصول و شیوه‌های علمی، قانونی و آموزش‌های قبلی و نظارت لازم صورت گیرد و با کسانی که ترتیبات و مقررات را نادیده گرفته و در اجرای وظایف خود به روش‌های خلاف آن متوسل شده‌اند، بر اساس قانون برخورد جدی صورت گیرد.

۱۱- پرسش‌ها باید مفید و روشن و مرتبط با اتهام یا اتهامات انتسابی باشد و از کنجکاوی در اسرار شخصی و خانوادگی و سؤال از گناهان گذشته افراد و پرداختن به موضوعات غیر مؤثر در پرونده مورد بررسی احتراز گردد.

۱۲- پاسخ‌ها به همان کیفیت اظهار شده و بدون تغییر و تبدیل نوشته شود و برای اظهارکننده خوانده شود و افراد باسواد در صورت تمایل، خودشان مطالب خود را بنویسند تا شبهه تحریف یا القاء ایجاد نگردد.

۱۷. رک کنید به سوال ۱۳

از نکات بسیار مهم پاسخ در پاسخ یا سوالات بازجو این است، که چگونه ای در برگه بازجویی نوشته شود که بازجو نتواند از پاسخ داده شده، سوال دیگری طراحی کند.

مثال: در جلسه بازجویی عکسی را جلوی متهم قرار دادند. سوالات زیر را از وی پرسیدند: " فرد سمت راست عکس می شناسی؟" در جواب گفت: " بله"

- چه مدتی است وی را می شناسی؟

- (مثلا) ۳ سال

- در طی این مدت با رفتار و نیرنگ تلاش کردی وی به فرقه بهائیت متمایل شده است، آخرین باری که باهم بودید چه زمانی است؟

- .....

مثال: در جلسه بازجویی عکسی را جلوی متهم قرار دادند. سوالات زیر را از وی پرسیدند: " فردی که در این عکس در کنار نشسته است، کیست؟"

- این سوال مربوط به مسأل شخصی بنده است و ارتباط شفافی با اتهام بنده ندارد. اصل بر برائت و بی گناهی متهم است. مثال: در جلسه بازجویی عکسی را جلوی متهم قرار دادند. سوالات زیر را از وی پرسیدند: " فردی که در سمت راست تصویر ایستاده است، چه فعالیت های تبلیغی انجام می دهد؟"

- بنده تنها به سوالات مربوط به خود پاسخ می دهم. این سوال ارتباط شفاهی با اتهام بنده ندارد.

با بیان چنین پاسخی راه را برای طرح سوال مجدد بسته خواهد شد، در صورتی که سوال را به نحوی دیگر تکرار کرد، متهم نیز می تواند همین پاسخ را به بیانی دیگر ارائه کند.

۱۸. وقتی بازجو شروع به بد گویی از اطرافیان، همشهریان بهایی متهم و یا حتی سایر بهاییان ایران که متهم اصلاً چنین افرادی را نمی شناسد می کند، باید مطمئن بود، که هیچ دلیل محکمه پسندی پیدا نکرده است و از سر ناچاری در تلاش است، تا متهم را برانگیزاند، مگر آرامشش از بین برود، عصبانی شود و دفاع از جامعه بهایی را دفاع از خود بداند. در این شرایط بازجو با متهم کردن یک فرد بهایی گویی توانسته در مکالمه شفاهی متهم را محکوم کند.

- متهم تنها باید به سوالات مربوط به اتهام خود پاسخ دهد.
- در هر جامعه ای خوب و بد وجود دارد. هر کس مسئول اعمال خود است و نمی توان کسی را به جای دیگری محاکمه کرد.
- اگر متهم یا بازجو در مورد کل جامعه بهایی وارد مذاکره شود، چون به هیچ مدرک مستدلی در بازداشتگاه دسترسی ندارد، نمی تواند چیزی را برایش ثابت کند. بازجو هم می تواند هر ادعای کذبی را مطرح کند، که متهم نیز طبیعی است که سند و گواهی برای رد آن نخواهد داشت.
- آیا هر اتهامی بازجو نسبت به بهاییان مطرح می کند، در میان مسلمانان دیده نمی شود؟ اگر یک فرد مسلمان عملی خلاف شرع انجام دهد، اسلام به چالش کشیده می شود؟ آیا اگر یک بهایی خلافی بکند، باید کل بهاییان را محاکمه کرد و یا جامعه جهانی بهایی و اصل دین را به چالش کشید؟
- آیا اگر مدرکی در مورد اتهاماتی که بهاییان در مورد ازدواج یا محارم، جاسوسی و ... مطرح می کنند، وجود داشت، در طی این سی سال در رسانه های حکومتی که همه ساله برنامه هایی برضد جامعه بهایی پخش می کنند، نشان نمی دادند تا همه بدانند؟ و یا در یک دادگاه علنی چنین افرادی را محاکمه نمی نمودند؟

۱۹. یکی از ترفندهای بازجو در جلسات بازجویی مغلطه است.

مثال: نگهداری حیوانات درنده در منطقه مسکونی ممنوع است. یک دامدار روستای با اجازه شورای روستا در طویله خود گاو نگهداری می کند. یکی از اعضاء شورا که دشمنی دیرینه با وی دارد و بسیار درشورا بانفوذ است، دامدار را به شورا احضار می کند و از وی می پرسد: " آیا در خانه ات شیر نگهداری می کنی؟ " روستایی در نهایت صداقت، پاکي و سادگی پاسخ می دهد: " بلی، بنده در خانه ام شیر دارم. "

عضو شورا درشکایتی که علیه دامدار تهیه می کند می نویسد: " بنا به اعتراف نامبرده، وی در منزلش حیوان درنده شیر را نگهداری می کند. چون خودش اعتراف کرده است نیاز به شاکي خصوصی و تحقیقات بیشتر نیست. لطفا پروانه دامداری وی را باطل کرده و ایشان را به حبس تعزیری محکوم کنید. "

در این مثال منظور روستایی " شیر گاو " بود و منظور آن عضو شورا " شیر جنگل ". این دو نفر فهم مشترکی بر روی کلمه " شیر " نداشتند. به همین دلیل مکالمه این دو از پایه و اساس نادرست است.

بازجویان اطلاعات نیز در برابر بهاییان از چنین طرفندی استفاده می کنند:

مثال: بازجوی اطلاعات از یکی از بهاییان پرسید: " آیا تبلیغ می کنی؟ " وی در نهایت صداقت، پاکی و سادگی پاسخ داد: " بله، همه بهاییان موظف هستند که تبلیغ کنند. " بازجو در زیر برگه بازجویی برای دادستان و نهایتاً قاضی نوشت: " بنا به اعتراف کتبی و صریح متهم، وی اتهام خویش مبنی بر " تبلیغ علیه نظام " را پذیرفته است. " ایشان در دادگاه بدوی به یک سال حبس تعزیری محکوم شدند.

در مثال فوق منظور بازجو از تبلیغ " تبلیغ علیه نظام " و منظور فرد بهایی از تبلیغ " تبلیغ دیانت بهایی " می باشد. اما از آنجا که ایندو از واژه تبلیغ، برداشت های متفاوتی دارند - یکی برداشت سیاسی و دیگری برداشت دینی و عقیدتی می کند - مکالمه این دو از اساس بی نتیجه و نادرست می باشد.

مواردی که در ارتباط با اتهام "تبلیغ علیه نظام" باید دانست:

- بر اساس قانون اساسی ایران تبلیغ دیانت بهایی جرم نیست و از مصادیق "تبلیغ علیه نظام" به حساب نمی آید.
- بر اساس اصل ۲۳ قانون اساسی ایران: " تفتیش عقاید ممنوع است و صرف داشتن عقیده جرم نیست."

قانون اساسی: اصل ۲۳ - منع تفتیش عقاید

تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ کس را نمی توان به صرف داشتن عقیده ای مورد تعرض و مواخذه قرار داد.

قانون اساسی: اصل ۱۹ - برابری قومی

مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود.

- فرد بهایی تابع قوانین حکومت می باشد و هیچگاه علیه حکومت و ضرر ملت اقدامی نکرده و نخواهند کرد.
- بنابراین سوال از "تبلیغ دیانت بهایی" از مصادیق تفتیش عقیده به حساب می آید و متهم می تواند به چنین سوال هایی پاسخی ندهد.

پاسخی که بهاییان بسیاری به کمک آن توانستند، از اتهام "تبلیغ علیه نظام" تبرئه شوند:

" بنده هیچ تبلیغی علیه نظام نکرده ام. من شهروندی قانون مدار هستم. "



یا " تفتیش عقیده ممنوع است و صرف داشتن عقیده جرم نیست. سوال فوق ارتباط شفافی با اتهام بنده که " تبلیغ علیه نظام است ندارد. سوال فوق یک سوال القایی است و بنده از پاسخ دادن به آن معذورم، زیرا بنده هیچ تبلیغی علیه نظام نکرده ام."

مثال: بازجو از یکی از بهایان پرسید: " آیا تبلیغ می کنی؟" وی در برگه بازجویی نوشت: " بنده تبلیغ علیه نظام نمی کنم." دوباره پرسید: " منظورم همین تبلیغ بهائیت است؟ آیا تبلیغ نمی کنی؟" در جواب گفت: " بنده هیچ تبلیغی علیه نظام نکرده و نمی کنم." برای بار سوم پرسید: " منظورم همین تبلیغ معمولی است، آیا تبلیغ نکردی؟" برای بار سوم تاکید کرد: " بنده هیچ تبلیغی علیه نظام نکردم." بازجو دیگر در ارتباط با تبلیغ در بازجویی های بعدی هیچ سوالی را از وی نپرسید.

اگر فطانت و زیرکی با راستی و سادگی آمیخته گردد، حکمت ظهور می کند. فطانت و راستی صفاتی متضاد نیستند، بلکه مکمل هم می باشند. به همین جهت است که حضرت عبدالبهاء می فرمایند: " بهایی باید فطن و باهوش باشد."

۲۰. مهم ترین بخش پرونده متهم که قاضی بر اساس آن حکم صادر می کند، پاسخ های کتبی متهم در برگه بازجویی است.

وظیفه قاضی این نیست که بفهمد منظور متهم بهایی از تبلیغ، فعالیتی علیه نظام نمی باشد. این مسولیت متهم است که برگه بازجویی را طوری بنویسد که هیچ کس نتواند از آن سوء استفاده نماید. بهترین راهکار استفاده از یک زبان مشترک است. زبان مشترک متهم بهایی، بازجو و قاضی فقط و فقط قانون است. سعی کنید پاسخ هایی که در برگه بازجویی می دهید، مستند به قوانین باشد.

در ارتباط با گزینه "ه"، متهم در این گزینه اطلاعات اضافه به بازجو می دهد، که اصلا نیازی نیست. تبلیغ دین امری وجدانی است و چه بسا هر فرد با اعمال خود به نیکی و درستی شهره در شهر گردد. برداشتی که بازجو ممکن است از این پاسخ بکند این است که:

- متهم یک بهایی دور افتاده هستند، پس می تواند به عنوان جاسوس پیشنهاداتی به وی ارائه دهد.
- متهم می ترسد، پس می تواند با اعمال فشار بر وی امتیازات بیشتری بگیرد.

اگر چه تحت هر شرایطی متهم به زودی نیت بازجو را خواهد فهمد، و می تواند مسیر بازجویی را تغییر دهد، اما ایجاد تغییر مسیر در بازجویی نیازمند به صرف انرژی و هزینه ذهنی و روانی بیشتری است.

۲۱. یکی از چالش های بزرگ اطلاعات آگاهی از نحوه اداره جامعه بهایی بعد از تعطیلی تشکیلات بهایی در ایران است. برای

برخی تحلیلگران اطلاعات این مساله قابل درک نیست که چگونه ممکن است یک جامعه به پویایی و حیات خود را بدون

حضور سیستم مدیریت مرکزی مشخص ادامه دهد. به گمان ایشان جامعه بهایی در لوای فعالیت های زیر زمینی به

فعالیت های تشکیلاتی خود ادامه می دهد. به اعتقاد ایشان یکی از مهمترین این شکل های زیر زمینی " ضیافت "

است. به همین دلیل در طی چند سال اخیر تلاش های زیادی برای تعطیلی ضیافت در برخی شهرهای ایران صورت گرفته است. به همین دلیل برای تعطیل نمودن این تشکل باید آن را غیر قانونی نشان دهند و در این راه باز هم به مغالطه پناه می برند.

یکی دیگر از مغالطات رایج بازجوهای اطلاعات بر سر واژه " ضیافت " است:

- از نظر بازجو بعد از تعطیلی تشکیلات بهایی در ایران " ضیافت " یک تشکل سیاسی زیرمینی به هدف براندازی نظام است.

- از نظر یک بهایی " ضیافت " یک تجمع دینی بر پایه اصول روحانی است. که به دستور حضرت بهاء الله بهاییان، مشتاق شرکت در آن هستند.

همانطور که مشاهده می کنید بازجو و متهم بهایی هر دو از یک لفظ مشترک به نام " ضیافت " استفاده می کنند، اما هر یک معانی متفاوتی از این کلمه استنباط می کنند. چه بسا متهم بهایی ساعت ها بر سر کلمه ضیافت بازجویی شود، در حالی که اساس این بحث بر پایه مغالطه بنا نهاده شده است.

پس باید دید وقتی از کلمه " ضیافت " سوال می شود، منظور چه ضیافتی است؟

- اگر منظور از ضیافتی است که در نظم اداری بهایی توصیف شده است. بهاییان بالغ بر سی سال است که ضیافت نمی روند. زیرا بر اساس نظم اداری بهایی، ناظم ضیافت منشی محفل روحانی محلی است و ضیافت هر نوزده روز یکبار در حضیره القدس محل تشکیل می شود. در حالی که بهاییان در ایران بعد از انقلاب اسلامی ایران، نه حضیره القدس دارند و نه امکان تشکیل محفل روحانی محلی، که منشی آن ناظم ضیافت باشد.
- اگر منظور از ضیافت تشکلی دینی و سیستماتیک است که در سراسر ایران به طور هماهنگ تشکیل می شود، باز هم بهاییان ایران بعد از تعطیلی تشکیلات بهایی به دستور دادستان کل کشور آقای دری نجف آبادی از آن محروم اند. هیچ ساختار سازمان یافته ای ضیافت بهایی را در ایران هدایت یا هماهنگ نمی کنند.
- اگر منظور از " ضیافت " گرد همایی دوستانه و خودجوش چند بهایی و تلاوت آیات الهی و خواندن دعا و مناجات، همچنین مشورت و گفتگو با یکدیگر و دید و بازدید یکدیگر است، چنین گرد همایی جرم نیست، از مصادیق سازمان های برانداز نظام نیست، هدفش اقدام علیه امنیت ملی و تبلیغ علیه نظام نمی باشد. تا زمانی که شاکی خصوصی در این جمع موجود نباشد، اطلاعات حق ندارد کوچکترین دخالتی این این گردهمایی نماید.

مخالفت با تشکیلات بهایی و تعطیل آن

پیشنهاد در ارتباط با پاسخگویی به سوالات مربوط به ضیافت:

"تشکیلات بهایی در ایران تعطیل است. تفتیش عقاید ممنوع است. بنده هیچ تبلیغی علیه نظام و اقدام علیه امنیت ملی انجام نداده ام. بنده شهروندی قانون مدار می باشم." امضاء

۲۲. متهم به این سوال این تست چه پاسخ مثبت دهد، چه منفی بازجو به خواسته اش رسیده است:

- اگر پاسخ مثبت دهد، علاوه بر این که تایید می کند که در ضیافت شرکت می نماید، ضمناً باب سوالاتی جدید را در مورد رابطه با اسرائیل و جاسوسی برای بازجو باز کرده است.
- اگر پاسخ منفی بدهد، یعنی بگوید که پول های تبرعات را برای اسرائیل نمی فرستد، اگر چه از دام اولیه ای که بازجو برای وی پهن کرده است، رسته است، اما بازجو به هدفش رسیده است. او می خواست متهم تایید کند که در ضیافت شرکت می کند. متهم با تأکیدی که بر روی صرف تبرعات در موارد غیر از ارسال برای اسرائیل می کند و یا حتی بی اطلاعی خود از نحوه خرج تبرعات، اعتراف صریح کرده است که در ضیافت شرکت می کند. بازجو ضیافت را همچنان یک تشکیل سیاسی زیر زمینی تعبیر می کند. و ی می تواند در صورت مجاب کردن قاضی متهم را به راحتی تا سه سال حبس با این سوال زیرکانه محکوم نماید.

#### سوالات القایی :

- سوالاتی هستند که از دو بخش تشکیل شده اند. بخش اول شامل گزاره ای است که اطلاعاتی بیان می کند - مثل حضور یک بهایی در ضیافت و دادن تبرعات در آن - این جمله صحیح فرض می شود و بر اساس آن سوالاتی از متهم می پرسند که صحت این مطالب را خدشه دار نکنند. مثلاً " آیا این پول ها را به اسرائیل می فرستید؟ " پاسخی که به این سوال می داده می شود، ربطی به شرکت فرد در ضیافت ندارد. چه به این سوال پاسخ مثبت دهید، چه پاسخ منفی، تایید کرده اید که در ضیافت شرکت می کنید.

۲۳. یکی دیگر موارد مغالطه توسط بازجویان بر سر واژه " بیت العدل " است.<sup>۷</sup>

- برای بهاییان، بیت العدل اعظم یک مرجع جهانی روحانی است که مصون از خطاست و حضرت بهاء الله در کتاب عهدی امر بر تاسیس این مشروع نمودند.
  - برای بازجو، بیت العدل یک مرجع سیاسی ضد اسلام است که هدفش جاسوسی برای اسرائیل و براندازی نظام جمهوری اسلامی است.
- همانطور که مشاهده می کنید، باز هم ادبیات مشترکی وجود ندارد و هر جوابی داده شود، به نفع بازجوست. تنها راه برون رفت از این تنگنا، پرهیز از دادن هرگونه جواب مستقیم و صریح است.
- باید از جواب های کوتاه مانند بلی یا خیر اکیدا پرهیز کرد، زیرا هر پاسخ " بلی " یا " خیر " سوالات جزئی دیگری را در پی دارد.

7. بعید نیست، در سالهای نه چندان دور یک " فیلسوف تحلیلی " برجسته از میان متهمینی که با بازجویان اطلاعات بر سر " معنای واژه ها " بیگانه سوالات مطروحه مباحثات طولانی داشته اند، از سرزمین ایران به جهانیان معرفی گردد. نیکو یادگاری خواهد بود!

- اگر بگویید که بیت العدل اعظم را قبول دارید، باز جو به خواست خود رسیده است و برداشت خود را از بیت العدل برای بازپرس بیان خواهد کرد <sup>در حال</sup> توضیح و تاکید متهم بر روحانی بودن این مرجع چندین موثر نخواهد بود.
- اگر بگویید بیت العدل اعظم را قبول ندارید، باز جو می تواند ادعای بهایی نبودن متهم را مطرح کند.

پاسخ پیشنهادی :

" تفتیش عقاید ممنوع است و بنده عضو هیچ گروه برانداز نظام نیستم و هیچ تبلیغی علیه نظام نکرده ام. "

یا " سوال فوق ارتباط شفاقی با اتهام بنده یعنی تبلیغ علیه نظام ندارد. "

۲۴. یکی از اتهاماتی که ده ها سال است بر بهاییان ایران وارد است، جاسوسی برای بیگانگان از جمله اسرائیل است. دلیلش را هم استقرار مرکز جهانی بهایی در شهر حیفا واقع در اسرائیل قلمداد می کنند. پاسخش بارها از طرف جامعه بهایی داده شده است:

- حضرت بهاءالله را از ایران به حکومت عثمانی تبعید کردند و ایشان نهایتاً - هفتاد سال پیش از تشکیل حکومت اسرائیل - در عکا صعود (وفات) نمودند. و اکنون مقر بیت العدل در حیفا است.
- با اینحال این اتهام هر ساله در رسانه ها، کتب ردیه و بازجویی ها مکرراً بیان می شود.
- هدف بازجو این نیست که بفهمد مقر بیت العدل کجاست، او منتظر است تا متهم کلمه اسرائیل را بر روی برگه بازجویی بنویسد، تا با ضمیمه کردن چند پیام بیت العدل به پرونده، از آنجا که متهم به عنوان مرجع مصون از خطا از دستوراتش اطاعت می کند، به قاضی نشان دهد که وی انسانی وطن فروش می باشد و باید به عنوان فردی مخالف نظام محکوم گردد.

۲۵. آخرین مورد از مغالطات بازجویان اطلاعات که بررسی می گردد " طرح روحی " است:

- بهاییان موسسه آموزشی را ابزاری در جهت گسترش اخلاق راضیه مرضیه می دانند.
- بازجوی اطلاعات طرح روحی را ابزاری برای ضربه زدن به اسلام و فریفتن جوانان مسلمان و طرحی برای براندازی نرم نظام تلقی می کند.

همانطور که مشاهده می شود میانی نظری در ارتباط با طرح روحی میان بهاییان و بازجوی اطلاعات هیچ اشتراکی ندارد. به همین دلیل بحث در مورد محتوی این طرح بی فایده است. این مهم نیست که متهم چه باوری نسبت به طرح روحی دارد. وی می تواند در بیرون از بازداشتگاه آزادانه دیدگاه خود را به همفکرانش در مورد این طرح بگوید، اما

دربرگه بازجویی باید به گونه ای پاسخ کتبی داد که هیچ مرجعی نتواند علیه فرد بهایی از آن سوء استفاده حقوقی نماید. باید درک شود که بازجو از چه منظر به طرح روحی می نگرد و از همان دریچه در برگه بازجویی پاسخ کتبی داد:

- اگر بازجو طرح روحی را طرحی ضد اسلام می داند، متهم بهایی فردی است که دیانت اسلام را برحق می داند.
- اگر بازجو این طرح را ابزاری جهت تبلیغ علیه نظام می داند، متهم بهای که از محتوای روحانی این طرح مطلع است، با قطعیت می تواند پاسخ دهد که هیچ تبلیغی علیه نظام نکرده است.
- اگر بازجو موسسه آموزشی را سازمان یا گروهی برانداز قلمداد می کند، متهم بهایی که به ماهیت وحدت بخش و روحانی این موسسه آگاه است، می تواند پاسخ دهد که عضو هیچ گروه برانداز نظام یا ضد نظام اسلامی نمی باشد. وی شهروندی تابع حکومت و فردی قانون مدار می باشد.

اصل بر برائت است:

#### قانون اساسی: اصل ۳۷ - اصل برائت

اصل، برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی شود، مگر این که جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد.

اما در جلسات بازجویی گویا همه چیز برعکس است. بازجو به گونه ای نشان می دهد که متهم یقین می یابد که مجرم است، مگر آنکه بتواند خلاف آن را به بازجو ثابت کند. فرد متهم در تلاش برای اثبات بی گناهی خویش مطالبی را عنوان می کند، که همین اقراریه ضمنی در نهایت مورد سوء استفاده بازجو قرار خواهد گرفت. در حالی که این روند باید برعکس باشد. یعنی:

- این بازجو است که باید تلاش کند تا اثبات کند، متهم مجرم است، نه آنکه متهم در تلاش برای اثبات بی گناهی خود باشد. وقتی متهم به بی گناهی خویش اعتماد دارد، نباید اجازه دهد بازجو با فضا سازی هایش ذهنش را آشفته سازد.

منشور حقوق شهروندی:

۱. هر کس به ارتکاب جرمی متهم شود، حق دارد بیگناه فرض شود، مگر این که مجرمیت (مقصر بودن) او بر اساس قانون محرز شود.<sup>۸</sup>

۲۶. این سوال نیز جزو سوالات القایی است که در بخش نخست آن، جمله ای خبری آمده است که در آن اتهامات و جرایمی سیاسی از دیدگاه بازجو بیان می گردد، اما وقتی همان جمله را فردی بهایی می خواهد به عنوان باوری دینی به آن می

<sup>۸</sup> اصل ۳۷ قانون اساسی، بند ۳ ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی بند ۱ ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر

نگرد. و در بخش دوم سوالی آمده است که پاسخ به آن به هر نحو تایید کننده اتهامات بخش نخست خواهد بود. نباید به چنین سوالاتی پاسخ مستقیم داد. رجوع کنید به سوال: ۱۹

اذن بیهی، اذن در لوازم شی نیز هست:

در قانون اساسی ایران در اصل ۲۳ تصریح شده است که صرف داشتن عقیده جرم نیست. اعتقاد به دیانت بهایی با تمام مجموعه باورهایش از نظر حکومت ایران جرم تلقی نمی شود. در غیر اینصورت باید تمام بهاییان ایران به جرم اعتقاد به دیانت بهایی بازداشت می شدند. وقتی اعتقاد به دیانت بهایی جرم نیست، اعتقاد به باورهای دیانت بهایی نیز جرم نیست. از جمله: اعتقاد به حضرت بهاء الله به عنوان مظهر ظهور الهی، اعتقاد به استمرار ظهور انبیای الهی، اعتقاد به تبلیغ تعالیم بهایی به عنوان یکی از فرائض روحانی فرد بهایی.

- این پاسخ به جهت بیان شفاهی و یا اطمینان قلب بهاییان خوب است، اما انتقالش در برگه بازجویی ممکن است، موجب شود بازجو سوالاتی دیگر از متهم بپرسد و از طریق سوالات متوالی و در پی هم آینده آنچه می خواهد از پاسخ های متهم بدست آورد.

مثال: بازداشت هایی که در سه سال پیش صورت می گرفت، بسیاری از بهاییان به این سبک پاسخ می دادند و به شش تا یک سال حبس تعزیری محکوم می شدند

بازجو: آیا متهم بیت العدل اعظم را قبول دارید؟

متهم بهایی: بله! بنده به بیت العدل اعظم به عنوان مرجعی مصون از خطا اعتقاد دارم.

بازجو: آیا ممکن است پیامی از بیت العدل صادر شود و متهم از دستورات و هدایات مندرج در آن اطاعت نکنید؟

متهم بهایی: خیر! هر آنچه امر کنند، با جان و دل اطاعت خواهم نمود.

در این هنگام بازجو پیام بیت العدلی را به متهم بهایی نشان می داد و می گفت: "آیا این پیام بیت العدل نیست؟"

متهم بهایی: هست!

بازجو: بیت العدل در این پیام به متهم دستور داده تا تبلیغ کنید، به پا خیزید و وقت را غنیمت بدانید که وقت تنگ است! آیا درست است؟

متهم بهایی: بله! تبلیغ دیانت بهایی یکی از وظایف روحانی بهاییان است تا اصلاح عالم صورت گیرد تا بشر به اخلاق طیبه طاهره مزین گردد.

تمرین: به نظر متهم متهم بهایی کدام قوانین و حقوق متهمین را در این مکالمه بازجویی رعایت نکرده است؟

۲۷. یکی از اساسی ترین استنادات بازجویان و بعضا مراجع قضایی، حکم دادستان کل کشور جناب دری نجف آبادی است که در آن تشکیلات بهایی تعطیل اعلام شده و این حکم توسط جناب اژه ای تنفیض گردیده است.<sup>۱</sup>

- بنابراین عضویت در تشکیلات بهایی پیش از صدور این حکم جرم محسوب نمی گردد، زیرا قانون "عطف به ما سیق" یعنی به گذشته نمی شود.
- پس سوال از فعالیتهای تشکیلاتی و عضویت در تشکیلات بهایی پیش از تعطیلی تشکیلات هیچ موضوعیتی ندارد. سوال اخیر هیچ ارتباطی به اتهام تبلیغ علیه نظام ندارد، پس لزومی به پاسخ دادن به آن وجود ندارد.

مثال: یکی از بهاییان که گمان می کرد از آنجا که عضویت در تشکیلات بهایی پیش از اعلام تعطیلی آن جرم نیست، می توان بدون نگرانی به ذکر تمام فعالیت ها پرداخت. وی تک تک هیات هایی را که در آن عضویت داشت، در برگه بازجویی نوشت و در نهایت برای تک فعالیتهای تشکیلاتی خویش محکوم شدند.

۲۸. پاسخ پیشنهادی: " درس اخلاق محلی برای کسب فضایل اخلاقی است و هیچ ارتباطی با اتهام بنده ندارد و بنده بیگناه هستم."

۲۹. راهنمایی مدیران موسسه پیش از دستگیری:

بنا بر اصل قانون اساسی دولت وظیفه دارد تا تسهیلات لازم را برای تحصیلات عالی به همگان فراهم نماید.

۳۰. هیچ یک فعالیت های زیر جرم نیست:

- مطالعه کتاب زبان انگلیسی با همسایه

- ملاقات کودکان بهزیستی ویا عیادت بیماران در بیمارستان

- دیدار با افرادی که در حال ترک اعتیاد هستند، در ان ای.

مخصوصا اگر این اقدامات از طریق موسسات قانونی غیر دولتی مانند ان اجی او ها صورت گیرد. خیلی مهم است در پاسخ به این سوالات تاکید بر قانونی بودن فعالیت ها و بیگناهی فعال مدنی شود.

مثال: اقدامات جوانان بهایی شیراز و فعالیتهایی که در بیم برای کمک به سیل زدگان صورت گرفت، نمونه ای از اقدامات توسعه است. تمام خانواده ها شهادت دادند که حتی نمی دانستند که این افراد بهایی هستند و هیچ تبلیغی صورت نگرفته است.

۳۱. یکی از روشهای آزار و اذیت متهم در دوران بازجویی، صحبت در مورد شاکی خصوصی می باشد که در این مورد یا شاکی خصوصی وجود خارجی ندارد و صحبت در این مورد تنها به جهت تحت فشار روحی قرار دادن فرد متهم است یا متأسفانه مأمورین اطلاعات فرد را به روش های مذموم و غیر اخلاقی وادار به شکایت علیه متهم می نماید. عموماً شاکی خصوصی یک فرد بهایی ادعا می کند که دوست بهاییش وی را تبلیغ کرده است. دو واکنش در وهله اول به ذهن متبادر می شود. اول: تایید این اتهام که دوست مسلمان را تبلیغ کرده است. دوم: تکذیب این مطلب. اول: تحت فشار و استرس ناشی ممکن است ناخودگاه اولین واکنش متهم تکذیب هر گونه ارتباطی با شاکی باشد. با این حال باید توجه داشت:

- وقتی متهم هر گونه ارتباط با شاکی را تکذیب می کند، اصول اخلاقی و صداقت را زیر پا گذاشته است. در این صورت حتی اگر قاضی به نفع متهم رای صادر کند، اگرچه از لحاظ حقوقی متهم برنده شده است، اما از منظر اخلاقی مغلوب است. از جنبه روانی دچار دوگانگی در هویت اخلاقی خود می شود و اقدامات بعدی متهم هنگام آزادی دیگر خالصانه و نافذ نخواهد بود.
- عموماً شاکیان خصوصی تحت فشار و شکنجه اطلاعات مجبور می شوند که علیه دوستان بهایی خود شکایت کنند - البته در موارد بسیاری دوست یا آشنای فرد بهایی، حتی تحت شکنجه حاضر به شکایت نشده است - در چنین شرایطی که دوست مسلمان خود تحت عذاب وجدان از اینکه علیه دوستش شکایت کرده است، قرار دارد نیاز به حمایت عاطفی فرد بهایی دارد، زیرا عموماً حقیقتاً شرمنده است. دوم: پذیرش اتهام و شکایت دوست مسلمان:
- هنگام مواجهه با شاکی خصوصی اگر متهم ارتباط با وی را بپذیرد، باپ سوالات بعدی توسط بازجو باز می شود. از متهم و دوستش خواهد پرسید، چه افراد دیگری در جلسات تبلیغی شما حضور داشته اند؟ از چه کسی دستور می گرفتید؟ و... همچنین اگر متهم در حضور بازجو درصدد متقاعد کردن شاکی برآید که هیچیک جرمی مرتکب نشده اند، این گفتگو سیر منطقی نخواهد داشت. زیرا اصلاً اعترافات شاکی چون با تهدید، هتک حرمت و شکنجه گرفته شده است، مکثی حقوقی و قانونی نخواهد داشت. به علاوه اگر هم واقعا از متهم شکایت کرده باشد، فرد بی طرفی وجود ندارد که بین متهم و شاکی قضاوت کند و تشخیص دهد چه کسی راست می گوید. به همین دلیل هرگونه بحثی با شاکی خصوصی در جلسه بازجویی منجر به محکوم شدن متهم خواهد شد. راه حل پیشنهادی:
- راه برون رفت از این مخمصه این است، که متهم نسبت به مواجه کردن خود با شاکی خصوصی را در جلسه بازجویی اعتراض و این عمل را غیرقانونی اعلام کند. بر اساس قوانین جمهوری اسلامی جای شاکی خصوصی در جلسه بازجویی نیست، در دادگاه است. این اقدام بازجو که متهم را با شاکی خود رو به رو کرده است، غیر قانونی می باشد. می توانید در این شرایط چنین پاسخ دهید: "چون بنده هیچ جرمی مرتکب نشده ام، بنابراین هیچ شکایتی را علیه خود نمی پذیرم."



" جای شاکی خصوصی در دادگاه است و بنده زمانی که در یک دادگاه صالحه حاضر شوم به این سوال پاسخ خواهم داد."

اگر برگه "اعتراف" یکی از دوستان متهم را به وی نشان دادند، حتی اگر به دستخط و امضای دوستش باشد، معلوم نیست تحت چه شرایطی چنین اعترافی کرده است به همین دلیل تا تشکیل دادگاه از هرگونه پاسخگویی به این سوال میتوان اجتناب نمود و تاکید بر بیگناهی خود داشت.

- این پاسخ به دوست متهم هم کمک می کند تا اگر تحت فشار و شکنجه مجبور به شکایت و یا اعتراف علیه متهم شده است در حضور قاضی بیان نماید و شکایت خود را از بازجو مطرح نماید.

مثال: بازجوی اطلاعات در راستای پرونده سازی برای یک فرد بهایی، یکی از دوستان دوران دبیرستان وی را احضار کرده از وی می خواهد علیه دوست بهایی خود شکایت کند و بگوید وی را تبلیغ کرده است. دوست مسلمان حتی زمانی که تهدید به بازداشت شد این درخواست را نپذیرفت. فرد بهایی با شکایتی نکرده دوست مسلمانش تفهیم اتهام شد از آنجا که بازپرس هیچ سندی در پرونده وی ندید قرار وثیقه را برای آزادی اش صادر کرد. اما فرد مذکور به خاطر فشاری که اطلاعات بر روی بازپرس آورد بالغ بر دو هفته در بازداشت بود.

### ۳۲. حق سکوت :

متهم حق دارد در مقابل پرسش های دادگاه با مرجع تعقیب یا تحقیق ، سکوت اختیار کند. (مواد ۱۲۹ و ۱۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری)

از مهمترین و اصلی ترین حقوق متهمین "حق سکوت" است. قانون این اجازه را به متهم می دهد که در برابر همه سوالات بازجو سکوت کند، تا زمانی که در یک دادگاه صالحه در حضور قاضی به اتهامات وارده پاسخ گوید. متهم هرگاه فکر می کند، در برابر سوالاتی آمادگی ذهنی یا روحی کافی برای پاسخگویی ندارد، می تواند سکوت کند. وکیل:

همه متهمین براساس قانون اساسی ایران حق داشتن وکیل دارند.

### قانون اساسی : اصل ۳۵

در همه دادگاهها طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد.

### قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی :

۳- محاکم و دادسراها مکلفند حق دفاع متهمان و مشتکی عنهم را رعایت کرده و فرصت استفاده از وکیل و کارشناس را برای آنان فراهم آورند.

- حتی اگر متهم استطاعت نداشته باشد برای خود وکیل بگیرد، دولت موظف است تا برای متهم، وکیل تسخیری بگیرد. با این حال توصیه می شود از وکیل تسخیری استفاده نشود، زیرا نمی توان مطمئن بود، کسی که خود را در دوران بازداشت وکیل تسخیری متهم معرفی می کند، واقعا امین متهم هست یا خیر؟ به علاوه اکثر وکلا از قبول پرونده بهایان هراس دارند، زیرا از طرف اطلاعات تهدید به لغو پروانه کسب می شوند. بسیار عجیب است که وکیل بی طرفی اینچنین بی پاکانه وکالت تسخیری متهم را بپذیرد و برای اثبات بی گناهی متهم دفاعی جانانه در برابر ماموران اطلاعات کند. از طرف دیگر بعید به نظر می رسد که بازجوی اطلاعات موافقت کند که وکیلی مبرز وکالت متهم را قبول نماید.

- داشتن وکیل اگر چه در مراحل بازداشت ممکن است چندان به کمک متهم نیاید، زیرا معمولاً بازجویان اجازه ملاقات متهم با وکیل را نمی دهند. اما قوایدی نیز دارد:

- متهم در بازجویی شرط پاسخگویی به سوالاتش را ملاقات با وکیلش تعیین خواهد کرد. در برابر این درخواست قانونی هر مرجع قضایی قانع خواهد شد.

- وکیل می تواند پرونده متهم را بعد از تفهیم اتهام بخواند و از قرار متهم اعم از کفالت، وثیقه، بازداشت آگاهی یابد.

- وکیل در نوشتن لایحه برای دادگاه می تواند کمک بزرگی به متهم کند. به شرط آنکه وکیل مبرزی وکالت متهم را قبول کند.

- اگر متهم در زندان باشد و خانواده اش برای گرفتن وکیل اقدام نماید. باز پرس موظف است که ترتیب ملاقات متهم با وکیل را بدهد و در بدترین شرایط فرم وکالت ایشان برای متهم به زندان یا بازداشتگاه آورده می شود، تا متهم امضاء کند.

مثال: در یکی از شهرهای ایران وقتی بهایان را دستگیر می کردند، ایشان برای رعایت اصول صداقت به بازجویی ها به طور کامل پاسخ می دادند و بازجویان نیز در نهایت دقت اقدام به پرونده سازی کرده و همه متهمین محکوم به شش ماه یا یک سال حبس تعزیری می شدند. تا اینکه یکی از متهمین که وکیل مبرزی داشت، در برابر فشار بازجویان از حق سکوت خود استفاده کرد و هیچ نگفت. اطلاعات فشار زیادی بر وی و خانواده اش آورد تا به بازجویی ها پاسخ گوید، اما کارساز نیافتاد و در نهایت ایشان تبرئه شدند.

. منشور حقوق متهم :

16- هر متهمی حق دارد فرصت و تسهیلات کافی برای تهیه و تدارک دفاع و انتخاب وکیل و ارتباط با وکیل منتخب خود داشته باشد<sup>10</sup>.

- تحمل دوران بازداشت طولانی تر، مسلماً بهتر اعتراف به خواسته های غیر حقیقی بازجو به شرط آزادی سریعتر و تحمل محکومیت سنگین تر توسط قاضی دادگاه<sup>10</sup> به واسطه همین اعترافات است. بازجو ممکن است به قول خود مبنی بر آزادی

<sup>10</sup> مواد ۱۸۵ و ۱۸۶ قانون آیین دادرسی کیفری، بند ۱ ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر، بند ۳ ماده واحده قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی.

شما از بازداشت موقت عمل کند (که این هم بعید است)، اما هیچ قدرتی ندارد که برای اعترافات شما از قاضی تخفیف بگیرد.

• برای بازجو بسیار دشوار است که بپذیرد که نتوانسته از متهم اعتراف بگیرد، یا به سوالاتی که می خواسته جوابی نداده اید. بازجو نیز سابقه اش زیر سوال خواهد رفت! اما اگر متهم از حق السکوت استفاده کند، شرایط برای بازجو بهتر خواهد بود. در نهایت حق السکوت نوعی توافق دوطرفه بین متهم و بازجو به حساب خواهد آمد برای سکوت. در این میان هیچیک ضرر نخواهند کرد، تا روز دادگاه! زیرا بازجو چنین استدلال خواهد کرد، متهم حرفی برای گفتن داشته، شاید جرمی را مرتکب شده باشد، اما تصمیم به سکوت گرفته و چیزی ننوشته است. در اینجا وظیفه قاضی است که این ناگفته ها که ممکن است مربوط به وقوع جرمی باشد، دریابد.

مثال: یک متهم بهایی بعد از ساعت ها بازجویی در برهه بازجویی خود فقط مشخصات خود را نوشت و در ارتباط با سایر اتهامات همه را تکذیب کرد و پاسخ های کوتاه قانونی داد. بازجو برای اینکه از زیر بار اعتراف گرفتن خارج شود، سوالی از ایشان پرسید:

- آیا متهم از حق السکوت خود استفاده کرده اید که به سوال ها جواب نمی دهید؟

متهم بهایی در نهایت هوشیاری پاسخ داد:

- بنده بازجویی خود را کامل پاسخ داده ام و از حق السکوت خود استفاده نکردم.

این آخرین سوال بازجو در از آن متهم در آن جلسه بازجویی بود.

منشور حقوق متهم:

10- متهم حق دارد پس از خاتمه تحقیقات مقدماتی، پرونده اتهامی خود را مطالعه و از تمامی محتویات آن مطلع شود.<sup>11</sup>

12- متهم حق دارد اوراق صورت مجلس تحقیقات خود را بخواند و اگر پاسخ های او با تغییر و تحریف در آن قید شده از امضای آن خودداری کند. همچنین متهم می تواند در صورت تمایل پاسخ پرسش ها را شخصاً بنویسد. ( ماده ۱۳۱ قانون آیین دادرسی کیفری، بند ۱۲ ماده واحده قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی)

۳۳. وقتی فردی توسط ماموران وزارت اطلاعات بازداشت می شود، پس از بازجویی اولیه ظرف کمتر ۲۴ ساعت باید به یک مرجع قضایی صالح به جهت تفهیم اتهام باید منتقل شود.

پیش از تفهیم اتهام

۱۱. ماده ۱۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری

- تجربه نشان داده است، بازجویان سعی می کنند بازجویی اولیه را طولانی کنند تا آنجا که ممکن است متهم را تخلیه اطلاعاتی کند. اگر متهم از حقوق خود مطلع نباشد، ممکن است مرحله تفهیم اتهام چند روز به تعویق بیافتد.
- پیگیری های خانواده به مراجع قضایی - بازپرس و در صورتی که پاسخی به متهم داده نشد، دادستان - جهت آگاهی از اتهام و محل نگهداری متهمشان به تسریع این مرحله کمک شایانی می کند.
- پیش از مرحله تفهیم اتهام مراجع قضایی اظهار بی اطلاعی از پرونده می کنند، زیرا هنوز پرونده متهم به دست بازپرس یا دادستان نرسیده است. با این حال در صورتی که حکم بازداشت ممهور و دارای سربرگ قوه قضایی بود، این مراجع نمی توانند به طور کل اظهار بی اطلاعی نمایند، زیرا حکم بازداشت توسط ایشان صادر شده و بازداشت توسط مامورین اطلاعات صورت گرفته است.
- در مدتی که متهم در ستاد خبری در حال بازجویی اولیه است، برخی از اعضای خانواده می توانند اطراف ستاد خبری منتظر باشند، تا ببینند چه زمانی متهم برای تفهیم اتهام به همراه مامورین از ستاد خبری خارج می شود. در همین حین یک یا دو نفر هم اگر بتوانند به بازپرس - کسی که تفهیم اتهام می کند - مراجعه کند و شرایط بازداشت و بیگناهی عضو خانواده اش را برای وی بگوید، معمولاً تاثیر مثبتی بر روی نظر بازپرس خواهد داشت.

نامه دادخواهی به مراجع ذی ربط:

- خانواده متهم باید در مراجعه به مراجع قضایی نامه ای به همراه داشته باشند، که نحوه بازداشت، وضعیت جسمی متهم در آن ذکر شود.
- در صورتی که متهم از بیماری خاصی رنج می برد، حتما درخواست تشکیل پرونده پزشکی برایش گردد و باید خواسته شود که داروهای متهم به دستش برسد.
- خانواده متهم در انتهای نامه باید درخواست های خود را از مرجع قضایی مطرح کنند: این درخواست ها متناسب با زمان عبارتند از: ۱. آگاهی از اتهام متهم ۲. محل نگهداری وی ۳. قرار صادر شده برای وی ۴. در تمام نامه ها درخواست آزادی هر چه سریعتر وی باید مطرح گردد.

تفهیم اتهام و پس از آن:

- در مراجعه به مراجع قضایی اگر یک فرد مسن خانواده حضور داشته باشد، با احترام بیشتری پاسخگوی متهم خواهند بود. حضور یک جوان که از قوانین مطلع است نیز کمک خواهد کرد که مراحل حقوقی پرونده سریعتر پیش رود و از به اصطلاح کاغذ بازی جلوگیری شود.
- پس از تعیین قرار توسط بازپرس، دستور قرار توسط دادستان صادر می شود. مراجعات بعدی خانواده متهم به دادستان در دادسرای شهر خواهد بود. در صورتی که دادستان به خانواده متهم پاسخگو نبود، به مافوقش یعنی

رئیس دادگستری کل شهرستان می توان مراجعه نمود. در بسیاری از موارد احاطه اطلاعات و حضور مامورین اطلاعات در این مراجع کاملاً مشهود بوده است.

- چنانچه مراجع شهرستان پاسخی ندادند، می توان به مراجع قضایی استان مانند رئیس دادگستری کل استان و معاونینش مراجعه نمود.

۳۴. پرونده متهم از ابتدا تا زمان صدور حکم تجدید نظر:

- پس از بازداشت فرد و انجام تفهیم اتهام پرونده متهم در دادسراست و مسؤل رسیدگی پرونده دادستان
- هنگامی که متهم نزد بازپرس دفاع آخر را می کند، بازجویی خاتمه یافته و پرونده برای صدور حکم به دادگاه بدوی منتقل می شود، در این مرحله قاضی مسؤل رسیدگی پرونده است.
- پس از صدور حکم و اطلاع متهم از حکم در صورت اعتراض و درخواست تجدید نظر، پرونده به دادگاه تجدید نظر منتقل می شود و مسؤل رسیدگی پرونده در این مرحله قاضی تجدید نظر است.
- در صورتی که در هر مرحله هریک از مسولین پاسخگوی خانواده متهم نباشند، مرتکب جرم شده و این عمل ایشان مستوجب مجازات است.

- خانواده متهم حق دارد از سرنوشت و اتهام متهم خویش مطلع باشد.
- منشور حقوق متهم:

۱۷- هر متهمی حق دارد از کلیه عوامل دستگاه قضایی متوقع باشد که از روی انسانیت و احترام به حیثیت ذاتی وی با او رفتار شود.<sup>۱۲</sup>

۴- هر متهمی حق دارد از مأموران بازجو بخواهد در اولین فرصت به خانواده وی اطلاع دهند تا از سرنوشت او مطلع شوند و در صورت لزوم برای آزادی او وثیقه یا کفیل آماده کنند.<sup>۱۳</sup>

۲۵. یکی از چالش برانگیزترین مسائل رسانه ای کردن بازداشت و شفاف سازی از موارد غیر قانونی پرونده است. تجربه نشان می دهد که سه جریان موازی در پیشبرد مراحل بازداشت بسیار موثر است:

۱۲. بند ۱ ماده ۱۰ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، بندهای ۴ و ۵ ماده واحده قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، اصل ۳۹ قانون اساسی

۱۳. بند ۵ ماده واحده قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی.

- نحوه پاسخگویی متهم

- اقدامات خانواده

- رسانه ای کردن

عموما مسئولین اطلاعات متهم و خانواده اش را از رسانه ای شدن جریان بازداشت می ترسانند. اما همیشه شفاف سازی از تخلف های صورت گرفته توسط مسئولین اطلاعات موجب رعایت قوانین و تسهیل شرایط پرونده گردیده است.

عموما وقتی پرونده ای رسانه ای می شود:

- مراجع قضایی مافوق که موافق اقدامات غیرقانونی برخی مامورین اطلاعات نیستند، مطلع شده و به مراجع قضایی شهرستان تذکر می دهند، همچنین در صورتی که مامورین اطلاعات از اختیارات خود سوء استفاده کنند، از مراجع بالاتر مواخذه خواهند شد.

- فشارهای بین المللی و تلاش های فعالان حقوق بشر اثر به سزایی در تسهیل جریان پرونده ها دارد.

- عاملان تخلف دوست دارند، همه چیز بی سر و صدا تمام شود، آگاهی مردم از تخلفات سبب هراس آندسته از مسئولین خاطی می گردد.

گزینه های مطرح شده در این سوال همه پاسخ هایی است که خانواده ها در ارتباط با مساله رسانه ای شدن مطرح کردند. حقیقتا انتشار خبر بازداشت در رسانه های در حوزه اختیارات خانواده است، با این حال چنانچه فرد پیش از دستگیری به سن بلوغ حقوقی رسیده باشد و این اختیار را داده باشد، توصیه می شود با مشورت خانواده متهم اقدام گردد

## خلاصه سوال و جوابهای بازجویی

همانطور که پیشتر دیدید اتهاماتی که بر بهاییان وارد می شود، محدود و مشخص است. در زیر به اهم اتهامات اشاره شده است. گزینه هایی که برای پاسخگویی پیشنهاد شده است، می تواند تا آنجا که با اندیشه های متهم موافق است، به ادبیات خودتان در برگه های بازجویی نوشته شود.

۱. اگر در ارتباط با دیگران ( نام، آدرس، تصویر، فعالیت ها و...) از متهم پرسیدند، پاسخ های پیشنهادی مرتبط با این موضوع عبارتند از:

"بنده تنها به سوالات مربوط خودم پاسخ می دهم. هیچکس را به خاطر جرمی که دیگری مرتکب شده مجازات نمی کنند."

۲. اگر در مورد ضیافت از متهم پرسیدند، پاسخ های پیشنهادی مرتبط با این موضوع عبارتند از:

"تشکیلات اداری بهایی در ایران تعطیل است. تفتیش عقاید ممنوع است. بنده هیچ تبلیغی علیه نظام نکرده و عضو هیچ گروه ضد انقلاب نیستم."

۳. اگر در مورد بیت العدل از متهم پرسیدند، پاسخ های پیشنهادی مرتبط با این موضوع عبارتند از:

"تفتیش عقاید ممنوع است و صرف داشتن عقیده جرم نیست. این سوال ارتباط شفافی با اتهام بنده ندارد. بنده هیچ تبلیغی علیه نظام نکرده ام."

۴. اگر در مورد تبلیغ یا طرح روحی ( موسسه آموزشی ) از متهم سوال شد، پاسخ های مرتبط با این موضوع عبارتند از:

" بنده هیچ تبلیغی علیه نظام نکرده ام. بنده عضو هیچ گروه یا سازمان ضد انقلاب نیستم. شهروندی مطیع حکومت و قانونمدارم. اصل بر برائت است، مگر آنکه خلافش ثابت شود. تفتیش عقاید ممنوع است."

۵. اگر در ارتباط با سابقه تشکیلاتیان سوالی مطرح شد:

" بنده عضو هیچ تشکیلات غیر قانونی نمی باشم. بنده عضو هیچ گروه ضد انقلاب نیستم و هیچ تبلیغی علیه نظام نکرده ام."

۶. اگر متهم را با شاکی خصوصیتان رو به رو کردند، می توانید از موارد زیر در پاسخ خود استفاده کنید:

" جای شاکی خصوصی در جلسه دادگاه است، نه بازجویی. بنده در جلسه دادگاه به شکایت ایشان پاسخ می دهم."

## تمرین های عملی:

۱. به یک گروه ۶ نفره شامل یک بازجوی اطلاعات به عنوان نماینده اطلاعات، دو مامور وزارت اطلاعات به جهت تفتیش منزل و سه مامور نیروی انتظامی به جهت مراقبت از منزل و یک گروه ۴ نفره شامل اعضای خانواده تقسیم شوید. شرایط زیر را به طور عملی اجرا کنید:

الف) مامورین اطلاعات وارد منزل می شوند. در نهایت احترام حکم قوه قضائیه مبنی بر تفتیش منزل را به متهم نشان می دهند. از متهم درخواست می کنند که در پذیرایی منزل بنشینید، و مشغول تفتیش منزل می شوند. ناگهان متهم متوجه می شوید که ماموران وسایل خصوصی و شخصی دختر متهم که حکم به نام ایشان صادر نشده است، جستجو می کنند، عکس العمل متهم چیست؟

ب) مامورین اطلاعات خود را مامور برق معرفی می کنند. دستشان را روی کاغدی می گذرانند، از لای انگشتان مامور می توانید نام خود را بر روی کاغذ ببینید. مامور سریع برگه را جمع می کند و به سایرین دستور ورود به منزل را می دهد. عکس العمل متهم چیست؟

ج) ( آدم خوبه - آدم بد اخلاقه ) در حین تفتیش منزل یکی از مامورین شروع به فحاشی به اعضای خانواده و مقدسات متهم می کند. متهم سعی می کنید که در نهایت احترام تذکر به او بدهید. یکی دیگر از ماموران سعی می کند در نهایت احترام متهم را آرام کند. اما مامور اولی همچنان به فحاشی خود ادامه می دهد. عکس العمل متهم چیست؟

۲. الف) در مرحله نخست در گروه های دو نفره یکبار متهم بازجو شوید و هم گروهیتان متهم و سوالات بخش بازجویی را از هم بپرسید.

ب) ( بازجو خوبه - بازجو بد اخلاقه ) به گروه های سه نفره تقسیم شوید. بازجوی اول متهم را تهدید می کند، به متهم فحاشی می کند. متهم به او پاسخی نمیدهید و یا نسبت به رفتارهایش محترمانه و در عین حال قاطعانه اعتراض می کنید. در این حال بازجوی دیگر وارد می شود و سعی می کند متهم را آرام کند. عکس العملی بعدی متهم چیست؟

۳. به گروه های سه نفره تقسیم شوید. یک نفر در نقش دادستان یا بازپرس. دو نفر در نقش خانواده ای متهم:

الف) از دادستان در نهایت احترام اتهام متهمتان، قراری که برای وی صادر شده، مکانی که وی بازداشت است و ... را بپرسید. دادستان به متهم اجازه می دهد که حرفهایتان را بزنید و به متهم پاسخگو است.

ب) از دادستان در نهایت احترام اتهام متهمتان، قراری که برای وی صادر شده، مکانی که وی بازداشت است و ... را بپرسید. دادستان می گوید که پرونده به او ربطی ندارد و نمی گوید که به کجا مراجعه نمایید؟ به متهم اجازه نمی دهد که حرفهایتان را کامل کنید. در نهایت می گوید وقت ندارد و از متهم می خواهد که به بیرون بروید و دیگر مراجعه نکنید. عکس العمل متهم چیست؟



## سخن پایانی:

به اعتقاد کاملا شخصی حقیر دستاوردهای جامعه بهاییان ایران بعد از انقلاب بسیار گرانقدر و ذی قیمت بود. تشکیل هیات خادمین و یاران ایران در فقدان محافل ملی و محلی، تشکیل موسسات معارف عالی و علمی آزاد در دورانی که دانش آموزان بهایی از تحصیلات عالی محروم گشتند. با اینحال اینها پاسخ هایی برای دوران اختناق و جامعه ای بسته بودند. قابلیت پاسخگویی به نیازهای جامعه وسیعتر را نداشتند.

جامعه بهایی ایران دوران گذار را در کنار سایر هموطنانمان تجربه می کند. از افتخارات جامعه بهایی ایران در آینده ایام این خواهد بود، که این دوران گذار را به درستی تشخیص داد و خود برای ساختن ساختاری که نیازهای جامعه ای متنوع

و باز را پاسخگو باشد، در شرایط دشوار دست از ساختارهای کهن برداشت و در این مسیر درسطوح گوناگون با هموطنانمان همگام شد. برای نخستین بار در تاریخ بهایی حقوق ضایع شده بهاییان ایران در کنار سایر ایرانیان قرار گرفت و این درد به دردی مشترک شد. اینها واقعیات عینی و انکار ناپذیر زمان ماست که نمی توان دم از بزرگنمایی آن زد.

از خصوصیات دوران گذار عدم ثبات و ناپایداری است. تغییرات در این دوران به قدری سریع است که قدرت تحلیل آن با استمداد از چند متغیر ساده سهل نیست. ضیق و تنگی حاصل ناشی از آن است که گاه ممکن است نتوانیم

تشخیص دهیم که حقیقت زمان ما چیست؟ چگونه می توان قدمی محکم در مسیر آبادانی و احیای ایران برداشت؟ مقدمات استدلالهای ما با تغییر شرایط هر لحظه تغییر می کند. تنها چیزی که ما را در این مسیر مستقیم نگاه میدارد، اطمینان به تحقق وعود الهیه و توکل است. استقامت در این مسیر و تلاش برای همدلی و تشویق یکدیگر می تواند ما را به سلامت از پل باریک گذار که از دره شک و بدگمانی عبور می کند، به سلامت هدایت کند.

از جمله عرصه های پیش روی ما نحوه برخورد با تضییقات مضاعفی است که با بازداشت، تفتیش، اخراج از دانشگاه، پلمپ مغازه ها صد چندان شده است. باید وارد گفتمانی عمیق شویم و در این مسیر پا را از عرصه نظر به عمل گذاریم و در کنار انتقادات سازنده، در اقدامات سازنده نیز با یکدیگر شریک و سهیم گردیم.

مجموعه حاصل تلاشی در این راستا است. این مجموعه مربوط به دانشی است که در این زمان تولید شده است، در این زمان بدان نیاز است و در این ایام نیز باید از آن استفاده و در نتیجه منتشر گردد. با اینحال پیشاپیش از تمام کاستی های این مجموعه از همه خوانندگان پوزش می خواهم و امیدوارم که گام های بعدی در این عرصه بسیار مستحکم تر و بلندتر باشد.

پرتکاپو تا برقراری برابری مانیدا

ترنم اشتیاق

## ضمائم

ضمیمه ۱:

### قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی

ماده واحده - از تاریخ تصویب این قانون، کلیه محاکم عمومی، انقلاب و نظامی دادسراها و ضابطان قوه قضاییه مکلفند در انجام وظایف قانونی خویش موارد ذیل را به دقت رعایت و اجراء کنند. متخلفین به مجازات مندرج در قوانین موضوعه محکوم خواهند شد:

۱- کشف و تعقیب جرایم و اجرای تحقیقات و صدور قرارهای تامین و بازداشت موقت می‌باید مبتنی بر رعایت قوانین و با حکم و دستور قضایی مشخص و شفاف صورت گیرد و از اعمال هر گونه سلب شخصیت و سوءاستفاده از قدرت و یا اعمال هرگونه خشونت و یا بازداشت‌های اضافی و بدون ضرورت اجتناب شود.

۲- محکومیت‌ها باید بر طبق ترتیبات قانونی و منحصر به مباشر، شریک و معاون جرم باشد و تا جرم در دادگاه صالح اثبات نشود و رأی مستدل و مستند به مواد قانون و یا منابع فقهی معتبر (در صورت نبودن قانون) قطعی نگردیده اصل بر برائت متهم بوده و هر کس حق دارد در پناه قانون از امنیت لازم برخوردار باشد.

۳- محاکم و دادسراها مکلفند حق دفاع متهمان و مشتکی عنهم را رعایت کرده و فرصت استفاده از وکیل و کارشناس را برای آنان فراهم آورند.

۴- با دادخواهان و اشخاص در مظان اتهام و مرتکبان جرایم و مطلعان از وقایع و کلاً در اجرای وظایف محوله و برخورد با مردم، لازم است اخلاق و موازین اسلامی کاملاً مراعات گردد.

۵- اصل منع دستگیری و بازداشت افراد ایجاب می‌نماید که در موارد ضروری نیز به حکم و ترتیبی باشد که در قانون معین گردیده است و ظرف مهلت مقرر پرونده به مراجع صالح قضایی ارسال شود و خانواده دستگیرشدگان در جریان قرار گیرند.

۶- در جریان دستگیری و بازجویی یا استطلاع و تحقیق، از ایدای افراد نظیر بستن چشم و سایر اعضاء، تحقیر و استخفاف به آنان، اجتناب گردد.

۷- بازجویان و ماموران تحقیق از پوشاندن صورت و یا نشستن پشت سر متهم یا بردن آنان به اماکن نامعلوم و کلاً اقدام‌های خلاف قانون خودداری ورزند.

۸- بازرسی‌ها و معاینات محلی جهت دستگیری متهمان فراری یا کشف آلات و ادوات جرم بر اساس مقررات قانونی و بدون مزاحمت و در کمال احتیاط انجام شود و از تعرض نسبت به اسناد و مدارک و اشیایی که ارتباطی به جرم نداشته و یا به متهم تعلق ندارد و افشای مضمون نامه‌ها و نوشته‌ها و عکس‌های فامیلی و فیلم‌های خانوادگی و ضبط بی‌مورد آن‌ها خودداری گردد.

۹- هر گونه شکنجه متهم به منظور اخذ اقرار و یا اجبار او به امور دیگر ممنوع بوده و اقرارهای اخذ شده بدین وسیله حجیت شرعی و قانونی نخواهد داشت.

۱۰- تحقیقات و بازرسی‌ها باید مبتنی بر اصول و شیوه‌های علمی، قانونی و آموزش‌های قبلی و نظارت لازم صورت گیرد و با کسانی که ترتیبات و مقررات را نادیده گرفته و در اجرای وظایف خود به روش‌های خلاف آن متوسل شده‌اند، بر اساس قانون برخورد جدی صورت گیرد.

۱۱- پرسش‌ها باید مفید و روشن و مرتبط با اتهام یا اتهامات انتسابی باشد و از کنجکاوی در اسرار شخصی و خانوادگی و سؤال از گناهان گذشته افراد و پرداختن به موضوعات غیر مؤثر در پرونده مورد بررسی احتراز گردد.

۱۲- پاسخ‌ها به همان کیفیت اظهار شده و بدون تغییر و تبدیل نوشته شود و برای اظهارکننده خوانده شود و افراد باسواد در صورت تمایل، خودشان مطالب خود را بنویسند تا شبیه تحریف یا التواء ایجاد نگردد.

۱۳- محاکم و دادرها بر بازداشتگاه‌های نیروهای ضابط یا دستگاه‌هایی که به موجب قوانین خاص وظایف آنان را انجام می‌دهند و نحوه رفتار مأموران و متصدیان مربوط با متهمان، نظارت جدی کنند و مجریان صحیح مقررات را مورد تقدیر و تشویق قرار دهند و با متخلفان برخورد قانونی شود.

۱۴- از دخل و تصرف ناروا در اموال و اشیاء ضبطی و توقیفی متهمان، اجتناب نموده و در اولین فرصت ممکن یا ضمن صدور حکم یا قرار در محاکم و دادرها نسبت به اموال و اشیاء تعیین تکلیف گردد و مادام که نسبت به آن‌ها اتخاذ تصمیم قضایی نگردیده است در حفظ و مراقبت از آنها اهتمام لازم معمول گردیده و در هیچ موردی نباید از آن‌ها استفاده شخصی و اداری به عمل آید.

۱۵- رئیس قوه قضاییه موظف است هیأتی را به منظور نظارت و حسن اجرای موارد فوق تعیین کند. کلیه دستگاه‌هایی که به نحوی در ارتباط با این موارد قرار دارند موظفند با این هیأت همکاری لازم را معمول دارند. آن هیأت وظیفه دارد در صورت مشاهده تخلف از قوانین، علاوه بر مساع در اصلاح روش‌ها و انطباق آن‌ها با مقررات، با متخلفان نیز از طریق مراجع صالح برخورد جدی نموده و نتیجه اقدامات خود را به رئیس قوه قضاییه گزارش نماید.

• قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علنی روز سه شنبه مورخ پانزدهم اردیبهشت ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و سه مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۶/۲/۱۳۸۳ به تأیید شورای نگهبان رسیده است.

ضمیمه ۲:

## قانون اساسی : حقوق شهروندی

### اصل ۱۹ - برابری قومی

مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود.

### اصل ۲۲

. تجویز کنند قانون حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که

### اصل ۲۳ - منع تفتیش عقاید

تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ کس را نمی توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مواخذه قرار دارد.

### اصل ۲۵

بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فلش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هر گونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون.

### اصل ۳۲

هیچ کس را نمی توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محاکمه، در اسرع وقت فراهم گردد. مختلف از این اصل طبق قانون مجازات می شود.

### اصل ۳۴

دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می تواند به منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع نماید. همه افراد ملت حق دارند این گونه دادگاه‌ها را در دسترس داشته باشند و هیچ کس را نمی توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد.

### اصل ۳۵

در همه دادگاه‌ها طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد.

اصل ۳۶

حکم به مجازات و اجراء آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد.

اصل ۳۷ - اصل برائت

اصل، برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی شود، مگر این که جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد.

اصل ۳۸ - منع شکنجه

هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند، مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است.

متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می شود.

اصل ۳۹

هتك حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده، به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است.

## منشور حقوق متهم

- 1- هر کس به ارتکاب جرمی متهم شود، حق دارد بیگناه فرض شود، مگر این که مجرمیت (مقصر بودن) او بر اساس قانون محرز شود ( اصل ۳۷ قانون اساسی، بند ۳ ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی بند ۱ ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر )
- 2- هر متهمی حق دارد از مأموری که قصد جلب او را دارد، بخواهد مدارک شناسایی خود و نیز دستور قضایی متضمن دستگیری اش را به او نشان دهد (ضرورت عقلی).
- 3- متهم حق دارد در مقابل پرسش های دادگاه با مرجع تعقیب یا تحقیق ، سکوت اختیار کند. (مواد ۱۲۹ و ۱۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری )
- 4- هر متهمی حق دارد از مأموران بازجو بخواهد در اولین فرصت به خانواده وی اطلاع دهند تا از سرنوشت او مطلع شوند و در صورت لزوم برای آزادی او وثیقه یا کفیل آماده کنند (بند ۵ ماده واحده قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی).
- 5- متهم حق دارد ظرف ۱۰ روز به قراربازداشت خود اعتراض کند تا مرجع بالاتر بلافاصله و در وقت فوق العاده به آن رسیدگی نماید. این حق طبق قانون باید به متهم تفهیم شود (ماده ۳۳ و تبصره ماده ۱۴۷ قانون آیین دادرسی کیفری و شق ۲ بند (ن) ماده ۳ قانون احیای دادرسی مصوب ۱۳۸۱).
- 6- چنانچه قرار التزام یا کفالت یا وثیقه برای متهم صادر گردید، او حق دارد با التزام یا معرفی کفیل متمکن و یا تودیع وثیقه حسب مورد بلافاصله آزاد شود (تبصره ماده ۱۳ و ماده ۱۳۷ قانون آیین دادرسی کیفری).
- 7- هر متهمی حق دارد بداند که هیچ یک از ضابطین دادگستری بدون مجوز قضایی و بدون رعایت ترتیبات قانونی مجاز نیستند، وارد منزل او شده و آنجا را بازرسی و تفتیش نمایند (اصل ۲۲ قانون اساسی ، ۵۸۰ قانون مجازات اسلامی ، مواد ۹۶ و ۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری).
- 8- لازم است متهم بداند که هیچ یک از ضابطان دادگستری حق بازداشت او را ندارند، مگر در جرایم مشهود و در هر حال باید درنخستین فرصت ( حداکثر ۲۴ ساعت) مراتب را به اطلاع مقام قضایی برسانند (ماده ۲۴ قانون آیین دادرسی کیفری ) .
- 9- متهم حق دارد حداکثر ظرف ۲۴ ساعت از اتهام و دلایل آن مطلع شود . مرجع قضایی مکلف است ظرف مهلت مذکور آن را به وی تفهیم کند (اصل ۳۲ قانون اساسی و ماده ۱۲۷ قانون آیین دادرسی کیفری)

- 10- متهم حق دارد پس از خاتمه تحقیقات مقدماتی، پرونده اتهامی خود را مطالعه و از تمامی محتویات آن مطلع شود ( ماده ۱۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری).
- 11- هر متهمی حق دارد از قاضی دادسرا یا دادگاه بخواهد که به چه اتهامی و به استناد چه دلایلی احضار یا جلب شده است ( ماده ۱۲۴ قانون آیین دادرسی کیفری)
- 12- هر متهمی حق دارد از پاسخ دادن به پرسش های مراجع کشف جرم و تعقیب که ارتباطی به جرم و تعقیب ندارد و مربوط به امور شخصی و خانوادگی اوست ، خودداری کند ( بند ۱۱ ماده ماده واحده قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی)
- 13- متهم حق دارد اوراق صورت مجلس تحقیقات خود را بخواند و اگر پاسخ های او با تغییر و تحریف در آن قید شده از امضای آن خودداری کند. همچنین متهم می تواند در صورت تمایل پاسخ پرسش ها را شخصاً بنویسد. ( ماده ۱۳۱ قانون آیین دادرسی کیفری، بند ۱۲ ماده واحده قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی)
- 14- هر متهمی حق دارد در یک دادگاه بیطرف و بر اساس یک دادسی عادلانه و منصفانه به اتهام او رسیدگی شود ( ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر).
- 15- هر متهمی حق دارد از دادگاه بخواهد که به طور علنی به اتهام او رسیدگی کند، مگر در مواردی که قانون خلاف آن را تصریح نماید ( ماده ۱۸۸ قانون آیین دادرسی کیفری )
- 16- هر متهمی حق دارد فرصت و تسهیلات کافی برای تهیه و تدارک دفاع و انتخاب وکیل و ارتباط با وکیل منتخب خود داشته باشد ( مواد ۱۸۵ و ۱۸۶ قانون آیین دادرسی کیفری ، بند ۱ ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر ، بند ۳ ماده واحده قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی).
- 17- هر متهمی حق دارد از کلیه عوامل دستگاه قضایی متوقع باشد که از روی انسانیت و احترام به حیثیت ذاتی وی با او رفتار شود ( بند ۱ ماده ۱۰ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، بندهای ۴ و ۵ ماده واحده قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، اصل ۳۹ قانون اساسی )
- 18- هر متهمی که به طور غیرقانونی دستگیر یا بازداشت شده باشد، حق دارد جبران خسارت خود را از مراجع ذی ربط بخواهد ( بند ۵ ماده ۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۱ قانون مسؤولیت مدنی و اصل ۱۷۱ قانون اساسی)
- 19- متهم حق دارد در حدود قانون به حکم محکومیت خود اعتراض وازدادگاه بالاتر تقاضای تجدیدنظر نماید ( شق ۵ بند (ه) ماده ۱۴ میثاق بین المللی، حقوق مدنی و سیاسی و مواد ۲۲۲ و ۲۳۹ قانون آیین دادرسی کیفری ) .

20- متهم حق دارد از دادسرا یا دادگاه بخواهد از شهود شاکی پرسش های او هم مطرح گردد؛ بلکه بتواند بیگناهی خود را ثابت کند.

21- هر متهم نابالغ و نوجوان این حق را دارد که در دادگاه ویژه ای به اتهام او رسیدگی و در صورت بازداشت یا محکومیت در محلی جدا از متهمان یا محکومان بزرگسال نگهداری شود( بند ب ماده ۱۰ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۲۱۹ و تبصره ماه ۲۲۰ قانون آیین دادرسی کیفری ).

22- متهم حق دارد در صورت صدور رأی برائت ، تعلیق مجازات او ، قرار موقوفی یا منع تعقیب، بلافاصله رفع اثر از قرار تأمین کیفری (وثیقه) و نیز در صورت بازداشت، آزادی بی قید و شرط خود را از مرجع قضایی رسیدگی کننده بخواهد (مواد ۱۴۴ و ۲۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری)



## منشور حقوق متهم در دادسرا:

رعایت حقوق شهروندی هم از سوی قضات و مراجع انتظامی و هم سایر وابستگان و مرتبطان با پرونده های قضایی لازم و ضروری است تا هم به کشف واقع و هم به رسیدگی ها و دادرسی عادلانه و بی طرفانه امیدوار باشیم و راه را برای رسیدگی های خودسرانه و غیر قانونی ببندیم و به جلوگیری از اطاله داری جریان دادرسی کمک کنیم.

به نظر می آید برای نیل به اهداف، تبیین مفاهیم حقوق شهروندی امری اجتناب ناپذیر می باشد.

- کشف و تعقیب جرم و انجام تحقیقات و بازداشت متهم باید مطابق مقررات قانون باشد.

- قبل از اثبات بزهکاری و صدور حکم قطعی هیچ کس مجرم تلقی نمی شود و در پناه اصل برائت مبری از ارتکاب جرم است مگر آنکه خلاف آن ثابت شود.

- برای ارتکاب یک عمل می توان دو مرتبه شخص را محاکمه کرد. در جرایم قابل گذشت (مثل ترک انفاق، فحاشی...) با گذشت شاکی دیگر نمی توان متهم را تعقیب کرد.

- بازداشت متهم بیش از ۲۴ ساعت و بدون تفهیم اتهام ممنوع است.

- ضابطان دادگستری حداکثر ۲۴ ساعت می توانند متهم را تحت نظر نگهداری کنند و در اولین فرصت باید مراتب را به اطلاع مقام قضایی برسانند و این ۲۴ ساعت هم فقط در جرایم مشهود قابلیت اعمال دارد.

- تفتیش منزل، محل کسب و کار و جلب اشخاص در جرایم غیر مشهود توسط ضابطان دادگستری ممنوع است و باید با اجازه مقام قضایی باشد.

- نمی توان به بهانه کشف جرم یا تفتیش و بازرسی منزل به حقوق اشخاص ساکن در آن لطمه وارد کرد.

- بازرسی در مواردی به عمل می آید که دلایل کافی برای کشف جرم یا متهم و آلات داده است جرم در آن محل وجود داشته باشد.

- بازرسی و تفتیش در روز به عمل می آید و هنگام شب در صورتی انجام می گیرد که ضروری باشد. تشخیص این امر با قاضی است که باید با دلایل و ذکر آن در پرونده صورت گیرد نه ضابطان دادگستری.

- اوراق و نوشته ها و سایر اشیای متعلق به متهم فقط آنچه مربوط به جرم است، قابل بررسی است.

- احضار متهم در صورت وجود دلایل کافی، صرفاً با احضارنامه به عمل می آید نه با تلفن یا سایر وسایل.
- اصولاً نمی توان قبل از احضار متهم، او را جلب کرد.
- جلب متهم در روز به عمل می آید به استثنای موارد فوری
- متهم بلافاصله پس از جلب یا حداکثر تا ۲۴ ساعت پس از آن باید توسط قاضی تفهیم اتهام شود.
- پس از اخذ مشخصات متهم اولین سوال از او تفهیم اتهام و دلایل مربوط به آن است.
- پرسش از متهم باید مفید و مربوط به اتهام باشد نه کلی یا تلقینی
- رعایت موازین شرعی در تحقیق از متهمان زن ضروری است.
- متهم حق دارد خودش پاسخ پرسش ها را بنویسد .
- سکوت و عدم پاسخ به پرسش های بازجویان یا مقام قضایی حق متهم است. - داشتن وکیل و دسترسی به وکیل به انتخاب متهم از حقوق اولیه اوست.
- اظهار یا اقرار یک متهم دلیل بر توجه اتهام نسبت به دیگری نیست و صرف اقرار متهم نسبت به شخص ثالث مجوز احضار، جلب یا تفهیم اتهام نیست.
- تحقیق یا شکنجه متهم به هر نحو ممنوع است و اقرار به دست آمده از طریق شکنجه فاقد ارزش شرعی و قضایی است. - بازداشت قانونی متهم صرفاً در زندان صورت می گیرد نه در کلانتری ها یا سایر اماکن.
- اگر تحقیق از متهم پس از بازداشت او ضرورت داشته باشد صرفاً در زندان و با رعایت تشریفات مربوط و به دستور قاضی صورت می گیرد نه در اماکن دیگری، قرار دادن متهم در اختیار ضابطان جهت تکمیل تحقیقات در کلانتری ها و... فاقد مجوز قانونی است.
- خواستن متهم از کفیل یا وثیقه گذار جز در مواردی که انجام تحقیقات، ضروری است، غیر قانونی است .
- کلیه تصمیمات به ویژه قرارها باید به متهم ابلاغ و تفهیم شود.
- اگر تصمیم مقام قضایی قابل اعتراض است، این موضوع باید به متهم تفهیم شود.
- خانواده متهم باید از سرنوشت او مطلع شود.
- متهم یا وکیل او حق دارد از گواهان خود یا طرف مقابل پرسش های لازم به عمل آورد.